

# حقیقت

شماره ۱۱۶ ۲۴ فروردین ۱۳۵۹

## خطاب به دانشجویان و دانشگاهیان

بشمارت واقعه خونین دانشگاه همایش

# انقلاب فرهنگی

سازار رسیدن ما به اردیبهشت یک سال از انقلاب فرهنگی دروغی که عجاج محمدزاده را در دانشگاه های کشور سرگرد کرد، حواهد گذشت، آران زمان ما کمون به سینه، اصلاح برمنش و آمورتی دانشگاهها را با سببناهم اسلام و پاکسازی هیئت های علمی و آموزشی به سینه دانشگاه های سراسر کشور را سببناهم دانند، بلکه بسیاری از دستبرستان ها و مدارس حرفه ای سیر در وضعی نیمه تعطیل و یا بحرانی بسر می برند. از برکت این انقلاب با اصلاح فرهنگی دهها کشته و صدها زخمی بجای مانده، بیش از ۲۰ هزار معلم و استادان و معاضد هیئت های علمی و آموزشی دانشگاهها که عالیا و کسانیا بوده اند در مبارزه علیه رژیم سرگور شده، شاه خاش عرک دستبرد بیعنوان پاکسازی آرا گاریکا رفتند.

بقیه در صفحه ۲۰

## در سومین سالروز جمهوری اسلامی

پیام ما مینما سبت سو مین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی در ادامه خط سازش دادن جناح های حاکم و به انفعال کشیدن جنبش های اعتراضی مردم هفت نکته را سببناهم میشود، تا بلکه از ذکر یک نکته در جامعه اجتناب شود، این یک نکته مسئله خود این جمهوری اسلامی است که در این دو سال چه کرده و سردم چه تجربه ای از آن گرفته اند. اما در این پیام از گروهها دعوت میکند که سلاح هایشان را تحویل دهند و با دستگا هکنار بیایند، آتش بس میان گروهها و جناح های حاکم و در روزنامه های رسمی ادامه

پیدا کند؛ سخراسان و نویسندگان "حتی بطور اشاره و کنایه، رکفتار و نوشته های اختلا با تکلیزا جناب نما - بند": روحانیون از جنبه - گیری دست بکشند و ادکاها سببناهم شود؛ سببناهم سببناهم در امور مربوط به دادگاها و نهاد های دیگر دخالت نکنند و همچنین تصفیه شوند؛ دولت دریاری رساندن به کتساری و کتسارزان مسامحه نکنند و "سببناهمها" هم عتناء نکنند، پرورش است که هفت بکنند؛ پیام ما همه سببناهم دانین تصور بنا شده که این سببناهم جنب و جوشها و طعنا سببناهم اعتراضی بقیه در صفحه ۲۰

## اول ماه مه

## اردیبهشت عید کارگران جهان فرامیرسند

در برپائی و گرامیداشت هر چه با شکوهر این عید، در صوفی

متحد، بجان بکوشیم!

صفحه ۸

تا اخراج تمام نیروهای عراقی از

آخرین وجب خاک ایبران



### باید استقامت کرد!

صفحه ۲۰

### آقای نبوی! مردم هرگز فراموش نمیکنند...

صفحه ۳

### امپریالیسم آمریکای جنگ جهانی آماده میشود!

سوالی از **مجاهدین** آماده میشود! صفحه ۱۸

عوامل حزب جمهوری: همدست فتووال های کرمانشاه

اقتصاد مجارستان: یک اقتصاد سرمایه داری... صفحه ۲۸

### امیرا نظام بهشتی ها

راه چه جرمی هم باید محاکمه میکنند؟

### محکوم

شوند! صفحه ۱۰

### پاسخ به خوانندگان

مقالاتی دیگر

صفحه ۱۴

در  
 سومین  
 سالروز

بقیه از صفحه اول

جامعه، که نظام جمهوری اسلامی را در سومین سالگرد آن به مخالفت و طرد افکنده، با ایجاد "ملسح و آراش" در بالا و وعده تصفیه و پاکسازی در این یا آن نهاد برای راضی کردن "بعضی از علما" و خنثی کردن رشد روزافزون ناراضی‌ها در جامعه و در آخر هم سفارش کمک به کشاورزی و دفع شایعات می‌توانند فیصله پیدا کنند و خاموش شود.

هفت نکته گفته شده، تنها یک نکته از سر زبانها بیفتد و آن اینکه نه ناآرامی‌های جامعه نتیجه جدال‌های میان گروه‌ها و سازمانها و یا کشمکش قدرت رتبه‌داران است و نه اشکال‌گزار، یعنی اشکالی که باعث جنبش و اعتراض می‌شود، در وجود چند آدم نا صالح در نهادها و گوناگون و یا مسامحه‌کاری دولت و "ثابت‌پدری و دروغ‌پردازی" ایادی رژیم سابق و با بر قدرت‌ها می‌باشد. نکته اینست که مردم ایران پس از دو سال تجربه نظام جمهوری اسلامی همچنان با بحران و فقر و بی حقوقی و ناامنی دست‌به‌گریبان بوده و تکرار مطالب رژیم سابق را یکی پس از دیگری و هر ماه در زندگانی روزمره خود تجربه می‌کنند. ناآرامی جامعه نتیجه نظام قدرت جدید است که بر کشورهای آسیای جنوبی است. نتیجه جدید است. اما اشکال کار در این نظام است. این نظام سیاست‌های آن جوابگوی انتظارات مردم از انقلابی که کردند نیست. ... سهل است، مردم را نسبت به

استظارا نشان بدیاس می‌کند و آنها را سرکوب می‌کند. نکته اینست که مردم ایران، توده‌های وسیعی که در جمهوری اسلامی حتی آنال و آرزوهای خود را استظارا کشیدند طی دوسال بحره، این جمهوری متوجه شده اند که سرسروش خود را کم شده و دارای هیچ نوع قدرت تصمیم‌گیری و تعیین سیاست‌های دولت نیستند و هر چه فریاد می‌کنند فریادشان به جایی نمی‌رسد. کارگران، دهقانان و توده وسیع مردم بتدریج بی‌میرید که انقلاب بزرگی کردند و رژیم سفاکی را برانداختند، لیکن رژیم مناسبی را که با بطن آنها باشد، به نفع آنها کار کند و به مستمری و بیعدالتی و غارتگری دارودسته‌های داخلی و خارجی پایان دهد، بروی کار دنیا ورده اند و در نتیجه با ید در اینبار راه‌های بیاندیشند.

اگر برای هزار سال هم گروه‌های سیاسی و جناحیند، های حاکمه قول آتش بس به یکدیگر بدهند و روزنامه‌های رسمی و حتی غیررسمی راه مصالحه و پرده‌پوشی در پیش بگیرند، با زاین صریحا در جامعه خواهد بود و توده‌های مردم بدنیال راه حل خواهند گشت. بعلاوه گرماری مردم با تصعیه، چهارتا آنها جدید و قدیم هم درست نمی‌شود؛ چه مادامکه توده‌های مردم کمیت نداشته باشند، مادامکه نظام قدرت در جامعه اجازه به دخالت و اعمال نظر توده ندهد و دشمنان توده در این کشور سرکوب نگردند، هیچ نهادی بکار مردم نخواهد و نتواند آمد و بر فرض صورت تصعیه، آنها هم بتنع مردم تصعیه نخواهند گشت.

کارگران و مردم ستم‌دیده، ما در این سومین سالگرد جمهوری اسلامی باید به کارنامه، دوساله، این جمهوری با

رجوع به تجربه، خویش‌نظر افکنده و خود این جمهوری را بر سرشوال برسد و از خود سپرد. سده که در استقال قدرت و بر با سازی نظام جدید استبا هی رح داده است. بنده، مسائله که در آنجا بوده که مردم، قسرها مختلف بوده - های اعلامی در کشور ما، بجای آنکه تمام دستگا‌های قدرت گذشته را نابود کنند و بریزند - نه‌های آن ارکانهای منتخب خودشان، انجمنها و شوراهای فوای مجریه، منتخب خودشان را تشکیل دهند و با اسلحه از آنها حفاظت کنند، نیابت عده‌ای دیگر را از طرف خویش پذیرفتند و با صرف نظر کردن از اعمال حاکمیت مستقیم خودشان سلاح‌هایشان را هم به زمین گذاشته و چشم‌انتظار معجزه، این عده شدند. حال آنکه معجزه کار خود توده‌ها بود، همانطور که معجزه، انقلاب هم‌کار توده‌ها بود. امروز مردم ما باید به رفع این اشتباه تاریخی همت گمارند.

\* \* \* راستی آنکه جنبش‌های اعتراضی مردم علیه جریان ارتجاعی و خودکامه، حزب حاکم، برای دفاع از اصول دمکراسی و تحقق مطالبات دموکراتیک انقلاب بهمین ... فداکاریهای ملت ایران برای نیل به استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از امپریالیسم خصوصاً آمریکا، برای حفظ اصالت انقلاب خود در برابر سلطه‌گری و نفوذ ویران‌کننده، بر قدرت‌ها و دستجات وابسته به آنها، برای پیروزی و غلبه بر جنگهای تحارکانه، توطئه‌گریها و تحریکات امپریالیستی، مرتجعین منطقه و وابستگان رژیم سرنگون شده، پیشین ... همچنین حرکت‌های انقلابی دهقانان برای زمین‌ورق‌های از اسارت کهن و ... همه و هم‌دستان اساس قدرت سیاسی و نظامی را که با

جمهوری اسلامی برپا شده است بر سرشوال برده و سبب شده است. چرا که ارتجاعی نظامی است که مار پر اد و اطواری چون حزب جمهوری اسلامی و یا دولت فاسد و روس و حصار به تسلیم در برابر قدرت‌های امپریالیستی، چون دولت کمونیست بر می‌آورد و بغای خود را استکا قان و فوای فخریه، این جمهوری توحیه می‌کند. زیرا این نظام قدرت و چهار رجویه، طبقاتی و حقوقی آنست که حرکت دهقانان را علیه ملاکان و اصول ارتجاعی نیمه فئودالی حاکم بر روستاها تحمل نکرده و با وحدت و تشکل و ابراز وجود مستقل سیاسی کارگران و هم‌چنین سایر قشرهای زحمتکش شهرها و روستا‌های کشور مخالفت می‌ورزد. زیرا بنیادهای طبقاتی این جمهوری، که به حال با اقتضای روستاها ما حب ملک و سرمایه و لقیب و عنوان و محافظه‌کاریهای آنها شکل می‌گیرد، طبقاتی و اجتناب ناپذیری به گرایش‌های تسلیم طلبانه و اقدامات خائسانه‌ای که فاجعه آمیزترین نمونه آن در قضیه تحویل جاسوسان آمریکایی و قراردادهای ناشی از آن با آمریکا پیش آمد، می‌دهد و در عین حال از ابراز وجود توده‌ها در این قضا و مجازات عاملان تسلیم و خیانته مانع ایجاد می‌کند.

قضیه بر سر عدم وجود و مشارکت عناصر و محافل ملی (بورژوازی و خرده بورژوازی) در قدرت سیاسی کنونی نیست؛ بلکه بر سر بنیادهای طبقاتی و نظم و نسق دولتی خاصی است که معارضه با منافع اکثریت زحمتکشان، ظهور و غلبه جریانهای کهنه و نوپسند تسلیم طلب ملی و بنیادینست با قدرت‌های بزرگ و ارتجاع و مساود استبداد محمول طبیعی آن بوده و حتی همان عناصر و

## آقای نبوی!

### مردم فراموش نمیکنند!

وامهای آمریکایی ایران سال گذشته ۲۶ میلیارد دلار را کاهش دادند و از ۲۶ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار رساندند. این امر باعث شد که اقتصاد ایران در سال گذشته ۱۰ درصد کاهش داشته باشد. این امر باعث شد که اقتصاد ایران در سال گذشته ۱۰ درصد کاهش داشته باشد.

آقای نبوی باید بداند که ملت ما حساب سازشها و حساب ستنها ایستاد و مرندها نشان را نگاه داشته است. امروز که زمان تعیین تکلیف فرا برسد، این خانتها کیف خواهد دادند.

کمی به زمدگان حسیه سرد با صدام نواز گروحا میان آمریکا شیش شونده است و چگونه سرف و عزت ملی ما که نفس آمریکا را در سینه ها لاف فل از ۲۸ مرداد تا کنون آنکارا داده است فم کشیدند.

ایشان باید نشان بدهند که با آزاد کردن عده ای جاسوس که در میان آنها عوامل شناخته شده سیاه - سماران کنندگان مردم ویتنام - قاچاقچی و رابط دارو دسته محمد مصدق ایران - مشیم بدتجا وزسه یک دختر جوان ایرانی (که توسط برادرش بقتل رسیده) و وجود داشته اند چه نصیری از عدالت انقلابی مردم ایران به خلقهای جهان که در مبارزه عدا امپریالیستی ملت ما بیدیده تعیین نگریستند را شده اند.

ایشان باید نشان بدهند که چگونه عاقبت ما با پرداخت

قیمت ها تحمل کنند. اما نکته ای که در این میان جالب است مسئله حرکتی انداختن آقای نبوی سران توحیه اعمال دولت رجایی است. ایسان گویا فراموش کرده اند که در سال گذشته چه دستگی بزرگی را در آزاد کردن گروگانهای آمریکایی بر آب داده اند و چه قرار دادها تحت ماری را امضاء نموده اند.

آقای نبوی بهتر است حال که به جرتکه اندازی راغب شده اند عواقب سازش ننکنند خود را با امپریالیسم بر سر مساله گروگانها تنها برای ملت محاسبه کنند.

ایشان باید نشان بدهند که با پذیرفتن این نکته که "سیاست آمریکا این است و از این پس نیز باقی خواهد بود که در مورد حلی ایران مداعله ننمایند". (نقل از توافقنامه با شیطان بزرگ) جده هـ

دز خطبه پیش از نماز جمعه ۱۴ فروردین آقای بهزاد نبوی درباره مسئله مشکلات اقتصادی کنونی و تلاش های دولت رجایی در جهت حل آن سخن راندند. ایشان که زمانی گفته بودند که یک "انقلابی" جرتکه نمی اندازد و حساب نمی کند، اینبار برای مردم جرتکه انداختند و با حسابهای درهم و برهم و التقاط راست و دروغ بالاخره به مردم گفتند که در سال آینده هم مشکلات اقتصادی ما فراوان است و این یعنی که صرفه جویی هایی مانند کاش حقو کارگران و کارمندان (نفسود و بیژنه و لغویا داش و عیدی و غیره) بشدت ادا مسه خواهد یافت و تازه با احتساب صرفه جویی ها کسری بودجه امسال هم سال آینده بر دوش اقتصاد ما خواهد بود و زحمتکشان باید آنرا بصورت بیگانه رشیدن ها و کسری درآمدها و بالا رفتن

سیل به استنلال اقتصادی و سیاسی و غیره صورت میگیرد، بناچار دارای حصلتی اصلاح طلبانه و ناپیگیری بوده و معنای ترمیم و تخفیف و تعدیل است. حال آنکه چنین محاسبت ها و لغت ها بی اثر است. یعنی راه و ریشه همراه با تدبیر یعنی راه و جوبه و نظام قدرت در میان مردم طرح کند، استخوی که سرچشمه، ظهور و غلبه، هر استناد و اثر، نحای را بخشکاند و احاطه اصول دیمکراتیک و عافع و مصالح ملی مردم باشد. ضمنا دارای حصلتی ابتدایی بوده و سببها راه حل واقعی خروج از مسائل و گرفتاریهای کنونی مردم می باشد.

آمریکا و جریان های سازشکاری با امپریالیستیا، پیروزی در جنگ و غیره، که خطوط کلی مسائل رزات مردم ما را در این برهه از زمان مشخص میگرداند، زمانی به هدفهای خود میزند که ایفات و فشرهای ذینفع در این مسائل رزات را به قدرت برساند و نظام قدرت و نظم و نسقی را بر جامعه حاکم سازد که به ایسی هدفها جامعه عمل پوشانند و ریشه آن معارضه ها و محمولات یا دنده در آن موجود باشد.

ارهمین را ویده مخالفان هائی که، رطوبت برجی عناصر و محافل ملی در چهار گوشه، قدرت سیاسی موجود و اساسا اصول و سلات برای حفظ نظام کنونی بر سر استناد و ارجاع و یاد در همه مسائل ملی و

ما امکان پذیر است - البته این مسائل و گرفتاریها دیگر بوجود نمی آید. در آن صورت تمام می نوظئه های ضد آزادی و نفع های اسارت ملی نه تنها از درون چنین قدرت و دستکاری امکان برور پیدا نمی کرد - چه برسد به آنکه به جریانی مقتدر با پشتوانه قانونی تبدیل شود. بلکه هر حرکتی از سوی دشمنان داخلی و خارجی انقلاب سرعت و بدون آنکه بتوانی از درون روبرو شود مرکوب می نمود و مردم شکست.

سنا برای این مقاصد مردم در سرا بریورنی های صدمگرا - یک علمداران حدی استناد یعنی حزب حاکم و اعوان و انمارس، برای تحقق مقصود دیمکراتیک و همچنین مقابله با

### در سومین سالروز بقیه از صفحه ۲

محافل ترقیخواه و ملی راهم به نایب بودی میکشاند و حذف میکند. اگر انتقال قدرت در بهمن ماه مسخوی بود که نموده، انبوه مردم کشور ما را نمایندگی میکرد. اگر نظام دولتی واقعا انقلابی و منکی به قدرت مسلح طبقات و فشرهای ذینفیس در انقلاب دیموکراتیک و ملی یعنی منکی بر توده های مسلح خلق برپا می کنند - کاری که طبعا و به تحقیق تنها از عهده، سبک رهبری کاملاً انقلابی و آزادار تعلقات ملکی و بولی و امنیایر و لقب یعنی طبعه، کارکرکسور

حجرات بدو دانشجویان

ودانشگاهان

سقیه از صفحه اول

مدها هزار دانشجو و فارغ التحصیل دبیرستان ها بدون آنکه کار دیگری به آنها رجوع شود، بلا تکلیف و عاقل و باطل ما بسند و به نیروی عظیم بیکاران کشور افزوده شدند. شوراها و تشکل های دانشجویی از هم پاشیده گشت و سرانجام علم و فرهنگ و هنر بسدون آنکه تحولی متسرفیانه را برای آینده در خود ننویدند، راکد ماند. ولی از همه بدتر اینکه دانشگاهها بعنوان یک مرکز جنب و جوش سیاسی و بحث آگیا هکرانه، که پس از سرنگونی رژیم منحوس استبداد سلطنتی به میعادگاهی برای بهم جوشی و تبا دل نظر قشرهای گوناگون توده های مردم تبدیل شده بود، تعطیل شد. حال و هوای آن که آن رژیم منحوس نیز از زبیدید آمدنش در دانشگاهها بیسناک بود و همیشه سعی در سرکوب آنرا داشت.

اکنون پس از یک سال تعطیل دانشگاهها چه نتیجه ای از لحاظ تجدید فرهنگی، رشد سیاسی و فکری جامعه و همچنین بهم جوشی استا دود دانشجویان توده های وسیع مردم و تشکل انقلاب سیاسی به انقلاب فرهنگی، که شوروی پر دازان جاعل و محرکین انقلاب به اصطلاح فرهنگی اسلامی بخورد طرفداران نشان میدادند، حاصل گشته است؟ آیا این انقلاب فرهنگی اسلامی که به پیشینها دسبران جاه طلب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یعنی مقامات دولت با اصطلاح مکتبی فعلی بر اه افتاد، به غیر از انصراف در جنبش فدا میریالیستی مردم در آن زمان، تحریک احساسات بخشهایی از مردم علیه گروههای سیاسی چپ و دانشجویی و شورا های دانشگاهی، و تصرف مقامات در سطوح آموزشی و فرهنگی کشور توسط یک باندمعین با اصطلاح مکتبی، هدف دیگر هم داشت؟ این انقلاب گذاشتی جز این که آتایان رجائی و نسیمی شیاد را به قدرت رساند، که دزبپی آن سر جنبش فدا میریالیستی مردم بریده و با ابر قدرت سفاک آمریکا بر سرگروگان ما و دعای حق، ایران کناره ریبیا بیند، نتیجه دیگری هم داد؟ این قشقرق فرهنگی که به رهبری آتایان بهشتی و فرسناجی و خامسای و آیت کودت جی و دبیران در بر سر کشور بر اه افتاد، خون های بسیاری را بر زمین ریخت، و فراموش نشود که آتای بنی صدر هم، به بنانه تا مین جا که بیست دولت دست در دست آنها داشتند، چرا آنکه زمینه مساعدی را برای تشبثات کودتا گرانه آمریکا و شیکه نظامی هم دشمنان شاه و بختیار در ارتش در ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ فراهم کرد، خدمت دیگری هم کرد؟

آری! در این یک سال کارهای دیگری هم کرده اند. شورای اصطلاح فرهنگی بوجود آورده اند، که اغلب افراد آن بحافظت بر پیشینه زشت سیاسی و کارکرد کمونی شان ( نظیر آتای ناموس خیر خوار در فتنه نخست وزیر هویسادی معدوم) مستحق مجازات بوده و همه شان، از بی مایه ترین و تاریک اندیش ترین افراد کشور، که از یک حزب سیاسی طرفه شده و مسعودی یعنی حزب جمهوری اسلامی دستور میگیرند، میباشند. کار آنها تا کنون بطوری که از متن های جدید دروس مدارس کشور بزمی آید حذف یک رشتند. فعلا لبتهای علمی و فرهنگی و هنری متداوله و تبعیض جعلیات بدیم با حلیات جدید (خصوصا در زمینه تاریخ) سوده است. هم پس هیئت های بنام "حیاد دانشگاهی" و امثال آن بوجود

آورده اند که همراه با روسای انحصاری و تحصیلی دانشگاهها، کاربان به اعیان سن نفیس غنا یفقرون وسطائی، استخسدام جاسوسان حرفه ای و اعیان افراد ساواکی با اصطلاح نویسه کرده و سرکوب و اخراج اعضای هیئت های علمی و آموزشی و کارکنان دانشگاهها، که از هر دیدگاه و بر سر هر مسئله ای با آنها مخالفت داشته اند، خلاصه شده است. همین وظایف مرتجعانه را، که شما ما بخاطر اسفرا رجا کمیت مطلقه یا بندمعینی رجا معصوم می گیرید، در مدارس کشور به عهده مسئولین امور با اصطلاح تربیتی گذارده اند. اینها همه دلائلی است که اعتراض و مخالفت دانشجویان و دانش آموزان، معلمان و استادان متعهد کشور را علیه این قشقرق توطئه گرانه عظیمی که بنام "انقلاب فرهنگی" و مکتبی کردن امور فرهنگی و آموزشی و هنری کشور صورت میگیرد، کاملاً برحق و سزاوار حمایت مردم میگرداند.

متولیان انقلاب با اصطلاح فرهنگی میخواستند دانشگاهها را بر اساس رسم و سنت، حوزه های علمیه تجدید سازمان دهند، و حقاً که در این کار موفق بسیاری یافتند. زیرا اکنون وضع منروکه دانشگاهها حال و هوای حوزه های علمیه ای را که در اطاق های دربسته و بدور از توده های مردم تشکیل میشود، پیدا میکند. راستی آنکه اگر انقلاب فرهنگی واقعی با ید صورت گیرد، باید کلسار را ابتداء از همین حوزه های علمیه آغاز کرد. ابتداء این حوزه های علمیه را از وجود بسیاری از مدرسین بدسابقه این حوزه ها پاک سازی کرد، مباحث و دروس آنها را مورد تجدید نظر قرار داد و دست کم به مسائل واقعی زندگی مردم و عصر کنونی که عصر آگاهی و انقلاب ملت ها است نزدیک کرد. نباید با علوم و فنون جدید در آمیخت. ابتداء باید این حوزه ها را از درون پستوها و اتاق های دربسته بیرون کشید و به زیر نظر منت و ملاحظه و اظهار نظر دانشمندان، صاحب نظران و متفکران فرقه های علمی و نظری گوناگون و قشرهای مختلف مردم کشور گذارد و بدین سان منقلب و مطبق با نظر زمانه، که زمانه انقلاب و بیداری و آگاهی توده ها است، گردانید. این وظیفه و تکلیف بی چون و چرای وجدانی و احتمالی است که طلاب حوزه های علمیه باید بدان قیام کنند، که نظام چنانچه حافظه تاریخی و ترس از عساکرهای مادی میرانند، دانشکاه کنونی را کنار گذارند، خواهند تراست تمام کنند، و قیام خواهند کرد.

اما دانشجویان و دانش آموزان، معلمان و استادان مسجدها کشور سرای رهایی از وضع نا هجرا و اسفرا رکنونی دانشگاهها، مدارس کشور، باید متحد شوند و ضمن طرح خواسته ها و مطالبات، جنبه ویژه خویش با توده های عظیم ملت ایران، که بسراسر آزادی و استقلال و تحقق وظایف انقلاب فدا استبداد است. و فدا میریالیستی ایران مبارز می کنند، و واحدی را تشکیل دهند. آتایان باید حفظ سازهای مرا می و مسلکی و ادامه تبلیغات و تحزب های خاص گروه بندی درون خویش، اتحاد و سازماندهی و سازماندهی دسبرگ صغی خاص خویش را نیز تشکیل دهند. در مبارزه بسراسر کسب حقوق و دلائل با ترقی خواهان، ویژه خویش و سراسر خط با سیاسی انقلاب در کشور ما متحد و متشکل شوند، آنها باید سراسر اساس موعظ انقلاب سیاسی و فکری را بر سر توده های مسجدها جوشی (آمریکا و شوروی) گروه بندی های سیاسی و استبداد آنها، که موه انقلاب برانگشت، برای رهایی اروا بستگی های گریه میریالیستی های آمریکائی، بر سر مایداری دیوانه لاریه و و است، از حیاتیای شود الیسم و نظام استبداد و ارتجاعی، و فارو فرهنگ های معط، ارتجاعی و

حناط به داسجویان

و دانشگاهان

بقیه از صفحه قبل

ضد ملی قدیم و جدید مبارزه کنند. و همچنین برای مقابله با...  
توطئه ها، تحریکات و تشیقات ارتجاعی فتنه سازانه، تجاوزه  
کارانه، الحاق طلبانه و کودتاگرانه، ابر قدرت ها، بیسوز و آزی  
بین المللی، ارتجاع منطقه و همپالگی ها و نوکران مارکسدار  
بومی آنها همیار و در لحظه وقوع آماده، فداکاری باشند.

در لحظه حاضر مقاومت کامل عادلانه و قهرمانانه، ملت  
انقلابی ایران در برابر تجا و زوحشیا نه، رژیم جنایتکار و عراقی  
و همپالگی های مصری و اردنی آنها، که به تحریک تبیهگساران  
آمریکائی و با توافق روسیه، فاشیست صورت گرفته، و همچنین  
نبرد همگانی مردم برای برانداختن قدرت مستبدانه، حزب  
جنایتکار و تسلیم طلب جمهوری اسلامی، که مظهر خیانت به اصول  
اساسی انقلاب در کشور است، تمامی مسائل و معضلات جامعه ما  
را تحت الشعاع خود قرار داده است. درجه آزادیخواهی، ملی  
بودن و شرافت انسانی و اجتماعی هر نیروی سیاسی در جامعه ما  
نه صرفا با دعای حرفی و وعده های کلی و شکل و شمایل ایدئولوژی  
لوزیک، بلکه مشخصا با درجه حضور واقعی، صراحت و صمیمیت،  
تلاش و همچنین جهت گیری واقعا ترقی خواهانه آن نیرو در  
مبارزات جاری مشخص و واقعا توده های مردم و در کنار این مردم  
قابل ستایش و انداز گیری میباشد، همانطور که جوهر سازشکارانه  
و انحرافکارانه، جریانات مختلف سیاسی، ماهیت واقعی مشی  
ها و اهدافشان بهیچ روآزادی و بهروزی توده های محروم ملت  
ما و استقلال و سربلندی کشور نیست، در همین مبارزات جاری و  
مشخص و جداتوده ای برملا میگردد. آنها که در جنگ مقاومت علیه  
بعثی ها و اربابان نشان در کنار مردم محروم ما نیستند، یا راه  
تسلیم و سازش با قدرت های سلطه گرو و برافروزدگان آتش این  
جنگ سب و زکا را نه علیه ملت ما را در پیش گرفته اند، یا مردم را  
به تسلیم و سازش کاری و صلح و صفا با تجا و زکاران دعوت میکنند و  
به روحیه یاس و بی غیرتی دامن میزنند و یا تخطئه میکنند  
صبر باسی و فداکاری جوانان مردم را. جلومیکیرند از شور و شوق  
میهن پرستانه، ملت... آنها که همراه مردم با استناد دادا خلی و  
علمداران آن مبارزه نمیکنند و یا راه غلبه و تحکیم حاکمیت سیاه  
و حیا سکارانه، آنها و یا سازش با آنها را میبیمایند و یا ایجاد  
بهره و انشعاب در صفوف مبارزات مردم پر دانه و به عنا و بین  
گرونگون سوک تهر بیگان، هجوم انبوه ملت را از فوری تری  
دشمنان و بدخواهان انقلابشان در هر لحظه، تاریخی محسوس  
میکند... و یا آنها را که بنام مذهب و ملیت و کذا و صرنا  
بجا طریبل به منافع لحظه ای، صفوف مردم را منشعب و رودر و قرار  
مدهند... اینها بدترین هم قدمان و خرابکاران واقعی  
بهیچ آرا دینخواهان و فدا میربا لیستی ملت ما در این برهه از  
زمان بوده و بجا طرح و فدا و موبیشرفت عصر انقلابی جنبش و  
حفظ وحدت مردم و همچنین وحدت دانشجویان، دانش آموزان،  
معلمان و استادان متعهد با سیر بخش های مردم باید سزا و  
کنار آمدن داشته شود.

های حق طلبانه، حویش را با قریادهای حق طلبانه، کارگران،  
دهکسان و توده های مبارز ایران درهم آمیزند، به عواطف و  
احساسات قشرهای گوناگون خلق احترام گذارند، از روشنفکران  
ری و روحیات مذمومی که توده های مردم را تحقیر میکنند،  
سپهرهند و با حقارت ملی و حرمانهای انحرافی ماهیتا جاسه -  
طلبانه و عملا شوکر صفتانه، طرفدار غرب و هواخواه شرق، که در میان  
روشنفکران همه، کشورهای زیر سلطه زمینه دارد، بطور آشتی -  
ناپذیر مبارزه کنند، مطلقا و حتما به قدرت معنوی بزرگی در خدمت  
مردم تبدیل شوند و با جلب حمایت مردم به خواسته های حق  
خود نیز، که بخشی از خواسته های همه، مردم است، خواهند رسید.

در آستانه سالگرد و انقضاء خونین دانشگاهها در سال گذشته،  
لازمست حقوق و دستاوردهای انقلابی پایمال شده، دانشجویان  
و دانشگاهیان در کنار حقوق و دستاوردهای انقلابی پایمال شده،  
همه، مردم با صدای رسا عنوان شود دشمنان آزادی و سرکوبگران  
اندیشه، مترقی در کشور، که در راس همه حزب رسوا و به انفراد  
کشیده، جمهوری اسلامی و باندهای صاحب مقام آن قرار دارند،  
مورد هجوم و ضربه قرار گیرند. مبارزه دانشجویان و دانشگاهیان  
برای بازگشائی دانشگاهها، در عین حال جنبشی است (و باید  
باشد) برای طرد ارکان های تعیش عقاید و اختناق فکری و  
سیاسی، ایجاد سوراخ های منتخب دانشگاهی و آزادی های بیان و  
اجتماعات و تشکیلات، و همچنین تحول نظام فرهنگی و آموزشی  
بر اساس اصول انقلابی، ملی و مترقی. ولیکن این جنبش  
پیروز میشود بشرط آنکه صف آن چه در سطح دانشگاهها و چه در سطح  
جامعه هر چه وسیع تر متحدتر گردد، به تکراری و روشنفکر سازی و  
همچنین سوجدوشی عنا صرمیکوک میدان داده نشود و از گرایش های  
سیاسی و فکری انحرافی انا ره شده زدوده شود. در این صورت  
خلق و آینده با چنین جنبشی خواهد بود.



... لازمست حقوق و دستاوردهای انقلابی پایمال  
شده، دانشجویان و دانشگاهیان در کنار حقوق و  
دستاوردهای انقلابی پایمال شده، همه، مردم با  
صدای رسا عنوان شود دشمنان آزادی و سرکوب -  
گران اندیشه، مترقی در کشور، که در راس همه حزب  
رسوا و به انفراد کشیده، جمهوری اسلامی و باندهای  
صاحب مقام آن قرار دارند، مورد هجوم و ضربه قرار  
گیرند.

دانشجویان، دانش آموزان، معلمان و استادان متعهد و  
سازگورهای آینده که صرف هنر دهنده و واحدی را تشکیل داده و مریاد

# عید کارگری (۱۱ اردیبهشت) را باشکوه هر

## چه تمام تر برگزار کنید

### حزب جمهوری، دشمن خونی طبقه کارگر

گذشت زمان و رویدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بزرگترین و گرانبها ترین درسها را برای طبقه کارگر به ارمان میآورد، زیرا در برابر هر مطلب و موضوع، هر چند کوچک و خرد، طبقات جامعه مخصوصا کسانیکه تیت اصلیشان را در زیر لایفها ثانی از شمارهای خوش آب و رنگ و نویدبخش پنهان کرده اند، با لاجبار جهت گیری کرده و هدف اصلی ایشان را آشکار میسازند، و از اینجاست که طبقه کارگر نمیتواند دوستان و دشمنانش را بازشناسد، فریادهای "واستضعفا" و "یا کارگرای" هرکس و ناکس چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب گوش فلک را کر میکند، دوست و دشمن مخلوط شده بودند، همه خود را حامی زحمتکشان خطاب کرده و در برشردن زنجها، دردها و محرومیتها ایشان از هیچ "افشاکری" ابا نداشتند، برای جنب توجه این طبقه انقلابی، که بدین شرکت فعال و رهبریش هیچ انقلابی به پیروزی نهای نمی رسید، دودوره بازان سفره های رنگ و وارنگ و مردم فریب سیکسترانندند، یکی برقی و آب را مجانی کرده قول خائسه و کاشانند، مناسب و مجانی میدادند دیگری با آیه و بیاطفداری دروغین از مارکسیسم رسی را به زارع داده و کنترل کردش چرخ صنایع را به کارگران واگذار مینمود، هدف اردان این همه وعده و وعیدها و ظواهر ساریها، مسلما گردآوری سیاهی لشکر است تا با رهبری خودشان وارد عرصه مبارزات سیاسی جامعه بشوند، فریاد استقلال و آزادی را تقریبا

همه طبقات و اقشار جامعه سر داده بودند ولی خوش باورانه و کم خردانه خواهد بود اگر نفیبول کنیم نیت همه طبقات از معنی و مفهوم استقلال و آزادی یکسان و هما نند بود، یک چیز مسلم و روشن است، همه بر ضد نظام شاهنشاهی و حکومت منقور پهلوی قیام کرده بودند، ولی یک چیز هم برای اکثریت نامعلوم بود و گذشت زمان لازم است تا بیاوریم سادها اندیشیان مشخص شود آیا همه این مخالفین رژیم سرنگون شده طرفدار زحمتکشان بخصوص کارگران میباشند یا خیر؟ البته برای کسانیکه به علم رهایی بخش طبقه کارگر یعنی مارکسیسم آگاهی دارند مخصوصا کارگران پیشرو، این موضوع چون روز روشن است که جامعه به طبقات تقسیم میشود و طبقات اجتماعی بنا بر منافع مشخص خودشان تصمیم میگیرند و عمل میکنند و تصدات زمانی کش و قوس رفتن ها و فریب دادنها بدست گرفتن قدرت سیاسی و حاکم شدن و حکومت کردن و عاقبت حفظ منافع طبقاتی خود است، ولی برای توده های میلیونی کارگر که بر اشروح معانی گذشته، سهل انگاری و انحرافات کمونیستهای جوان و عاقبت هوجوی گری و مردم فریبی تازه بدوران رسیده با اصطلاح تکتبی، آگاهی لازم را رسیسم های اجتماعی و سیاسی سر آن ندارند تجربه و دیدن واقعیتهاست که حق و باطل را برایشان آشکار مینماید، و اکنون پس از دو سال و چند ماه تجربه، وجه گیری عملی بر

دارای مقام و منزلتی بوده و با مرتجعترین اجزای و گروهها در گذشته همدو یار بودند، چهره واقعی خود را که هماسا دشمنی با استقلال و آزادی و مخالفت و ستیز با کارگران و زحمتکشان و حقوق حقه آنهاست بروشنی بروز می دهند،

ار مردای پیام، حرکت های توطئه گرانه و تفرقه افکنانه این حزب برای تسلط یافتن و خاموش نگه داشتن جنبش کارگری شروع میشود، اینجا سئوالی بس مهم برای کارگران و کلیه سازمانها و گروهها شیکه در راه آرمانهای رهایی بخش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان فعالیت میکنند مطرح میشود، چرا حاصل ورهبری قیام و انقلابی که توده های زحمتکش عالم و بانی شروع پیروزی بودند و نامی شهیدان و مسئولین آن از طبقات محروم و فقیر جامعه است، بدست نامردمان توطئه گری افتاد که کمربند نا بودی و شکست انقلاب سده اند؟

ساری، توطئه گران حزب، پس از قیام با سیاست بر آوردند که مبارزه و سیاست سازی بی پایان رسیده است، هر کس با ید بر سر کار خود برود و صیاطات از سرگریدگان جمد کارگر، سیاست و اداره امور مملکت را به کارزان بسیار بد! تلاش در دورنگاه داشتن کارگران ارمانند سیاسی و واقعیتها از حاری جامعه و محصور کردن طبقه نامولید سهم بحث تراست و



# اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) عید کارگران جهان فرامیرسد

پیدایش ظلم و ستم در جوامع در حقیقت از روزی به معنای واقعی شروع شد که احتماعات به طبقات تفهیم تبدیل و طبقات حاکم برای استعمار و بهره کشی به تجاوز و زورگویی به دیکتاتوران پرداختند. هنگام نگا کردن به تاریخ میبینیم که هر جا ظلم و تعدی و بهره کشی حاکم شده و رواج یافته، شکوفه های مقاومت و مبارزه برای بدست آوردن حقوق انسانی بهمراه آن سر برافراشته است.

در تمام دنیا، تلاش و کوشش و تولید همیشه کار رحمتگشان بوده و در مقابل غارت و تریب پیشه، استثمار کاران بوده و هست. او زاین رهگذر، آنچه نصیب زحمتگشان جهان میشود، فقر و سیاه روزی و نکبت میباید. بدین ترتیب ما بین همه کارگساران و زحمتگشان جهان تشابهی مشترک است. همانگونه که استعمار کاران دنیا با همدستی و ساز رکت یکدیگر میچاپند و غارت میکنند، مسلمان زحمتگشان در طول تاریخ هیچگاه در برابر ظلم و پیداد آزار و مظلومیت ندیده اند و نیستند و از درون همین سرکشی ها و طغیانها و مبارزات و تقاضای معنای خویش است که حماسه های واقعی زحمتگشان آفریننده بشر دوا می راکه شهید پروری، در اشروح و آگاهی و ایستادگی به کام بر سرندان کارورس میسرند. بیرون دوا می میدارند و عیدش میگویند، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) یکی از برجسته ترین روزه های مقاومت و حماسه آفرینی برای کلیه کارگران جهان است. بیروزی

## در برپائی و گرامیداشت هر چه باشکوه تر این عید، در صفوفی متحد، بجان بکشیم

کارگران در اول ماه مه، در حقیقت پس از دهها سال رنج و بدبختی و تجربه کردن انواع واقسام شیوه های مبارزه بوفوع پیوست. این روز دارای پیامها و درسها و دستاوردهای گرانبها نیست که کلیه کارگران جهان در بدست آوردنش سهیم هستند. در نتیجه، برای ادامه مبارزه و پاسداری از ارزشهای والای طبقه کارگر، بایستی این پیامها را دریافت، درسها را آموخت و دستاوردهای آن را چون گوهری گرانبها بکاربرد و به احترام مقاومت و حماسه آفرینی میلیونها کارگر جهان که با خون های گلگونشان پرچم سرخ آزادی را دست بدست به نسل کارگر امروز داده اند، این عید را هر چه باشکوهتر، در صفوفی متحد، و شعارها و پیامهای شخصی سر برافراشته نمود. قدرت بی همتا کارگران در اتحاد آنهاست. از واقعیتهاست، اتحاد واقعی کارگران بدون شناخت دوست و دشمن و بدون شناخت دشمنان فریبکار در لباس دوست ممکن نمیشود. در دو سال گذشته دشمنان طبقه کارگر با به پیش کشیدن مسائل منحرف کننده و شعارهای تو خالی و پوچ، صن فطعه فطعه کردن بیکروا حد این طبقه پیام و اهمیت این عید جهانی کارگران را از محسوسات انقلابی نهی ساختند. بر اساس کسه پرونده عملکرد دوسال و دشمنان را بدست وری برسیم و بسیم چه کسانی اعتصابات و اعتراضات بحق کارگران را

در سال گذشته، "فعالین صدامتقلبی" و "زمینه چینی توطئه"، و "عملکرد عمال آمریکا" نامیدند؟ چه کسانی نه تنها قدمی در راه احقاق حقوق کارگران برنداشتند، برعکس سرانشان با تصویب لوایح و فاسون های صدکارگری و سایر اقدامات گرانسودان و سرمایه داران، نان خالی راهم از حلقوم کارگران به بیرون کشیدند؟ چه کسانی بکمک کمیته ها و پاسدارها و زمامداران به کارگرانی که به ظلمها و ستمهای بی اندازه و حد، اعتراض می کردند، بورش بردند؟ چه کسانی به دستاوردهای انقلاب سرمد لگزده اند، آزادی را پایمال میکنند و استبداد را جایگزین جاسوسان آمریکائی را آزاد میکنند، در جنگ و در دفاع از انقلاب و بیین اخلال میکنند؟ چه کسانی اعتصابات ده میلیون کارگر لیبستان را بهیچ انگاشته، بخاطر هدیه های کثیف و تومنان در کارخانجات به جاسوسی و توطئه چینی پرداختند؟ آیا امروز میتوان دعوت این رویا همان صدکارگر را برای شرکت در راهپیمائی عید کارگساران جهان قبول کرد؟ و اعتصابات آوارست که این احزاب و گروهها یکسال تمام بر علیه طبقه کارگر توطئه چینی میکنند و مرعوب میدهند و از سرور ما سواستفاده را عمق دات و اعتمادهای زحمتگشان، آنها را با اجماعانی که با ستم پوچ و بی معنی و منحرف کننده است دعوت میکنند.

امروز وحدت کارگران دقیقا در شرط دو مسأله است: حستگی ناپذیر این دشمنان مکار طبقه کارگر بدست میاید. ما با بدیبا طرح شعارهای دقیق ضد امپریالیستی شرق و غرب و با طرح خواسته های مشخص و معین که مسامحه طبقه کارگر و دادا مه، انقلاب را ناپیروزی نهائی نامین میکند، و با پشتیبانی از کلیه مبارزات بحق کارگران و سرمد کشورهای تحت ستم و تجاوز، دوروی و حقه بازی دشمنان کارگران و خلقهای جهان را بر ملا کنیم. عید واقعی کارگران جهان بایستی این چنین برگزار شود.

### عید کارگری

بقیه در صفحه ۹



**سئوالی از مجاهدین**

بقیه از صفحه آخر

بوده است؟ چه کسی مصر و سوماتی و... خلیلی و عراق ولیدی و... را نمثا به نمونه های این خط در سطح جهان تبلیغ کرد؟ فکر می کنیم خود رجوی هم به خوبی پاسخ این سواالت را بداند..... فکر می کنیم رجوی هم

بداند که اس نشنوری پوسده و تسلیم طلبانه را اولس بار مصورب مدون خروجی رهبر حزب "کمونیست" شوروی ارا شده ا دوسین حزب توده و احزاب "سرادز" آن را کپی زدند و "حلا- قانه" به اوضاع و شرایط کشور خودشان منطبقی کردند و اصما حانی خون دفاع از سرمایه شوروی کرانیک درباری را اریج کردند. فکر می کنیم رجوی هم بداند که "سویا لبسم" مصری را بیش از هر کس شوروی ها تبلیغ کردند. در مورد "کمکهای" خود برای تثبیت این "سویا- لبسم" کاد لای زدند... فکر می کنیم رجوی هم بداند که سبب آری

مختص "آجاسی" سروری درباری است و راه اساسی بودند و "آجاسی" را نگا سل دادند. فقط با منسب به ترجمه های گناهای اولنا فسکی و سایرین نگا هی عیدار بیدنا معلوم شود که حزب سرده بدو که اس "خط" را نشور بره شود و به شوروی فالت نمودند و نگا... بالعکس!

(حقیقت شماره ۱۱۱)  
مادر آن مقاله در نوشته های دیگر همواره توضیح داده ام که شوروی را در نگار سرمایه داری در واقع ستاسی است که شوروی برای تبدیل کشورهای زیر سلطه را اما وجود آن استعاده میکند و ما توضیح دادیم که اس بدان دلیل است که شوروی کنونی (بر خلاف

مخترع هندی است که کورسند امیرا نمب و سوا لست نوده بلکه یک کورسما بدان ری و امیرا لسی است که سرمایه داری دولتی را شروع حد در آن حاکم است.

اما محاهدین شوردراس با رهکوت میکسد و کوبا اصلا حدر ملرم بدو صبحی نمی بیند. و در ست در همن رابطه است که حزب بود را میوان و اسارین ا ربقطه صعبا اسدلال محاهدین سود میجویند و موسی سویند:

بسیار از ۸ حزب کارگری و کمونیستی و همچنین کشورهای سویا لستی و بیضت های آزادی بخش ملیس یای سنداس نظریه امما گذاشته اند و صحت انقلابی آزادی را شرط بقیه در صفحه ۴۴

**عید کارگری**

بقیه از صفحه ۸

کنند، تولید کنند و با زهم تولید کنند و در مقابل در مقابل پول و زحمتی و آزادی کشی دم سر- بیامرد، در مقابل خیانت و سرمزدن حقوق ملت دم سر-

نیآ ورنند، در مقابل وطن فروشی دم برنیآ ورنند.... آخر حزب توده از قدیم و ندیم به خیانت و وطن فروشی عادت کرده است. اصلا این جریان مسئله اش با زکردن جای پای اربابان روسی است. چریکیا یا کثرت هم ستا زگس- این بیماری را علاج ارجسرب نوده بد آنه سراسر کرده است. برای همین در وجود حزب جمهو-

ری گذاشتی مستبد و خیانت بیته، تا مزد خوبی برای مفا مدح شود می یا بند، و بخاطر خطا دیسا همین حزب گذاشتی، این جنین بر علیه کارگران و جنبش کارگری شمشیر میکشد.

\* \* \*  
اول ماه مه ۱۹۱۷ آزادی بهشت عید جهانی کارگران نزدیک مسکو. کارگران ایران باید سجدانه در این عید

کارگری شرکت کنند، عوام فریبان حزب جمهووری، حزب توده و چریکیای اکثریتی برای تفرقه افکندن در صفوف کارگران و بی محتوا سخن این روز برک بیرون صد براه انداختن مراسم دارند. کارگران ایران باید سجدانه در این عید با اربابان سجدانه، و بدهی ماسی به بدین عوام فریبان سرری برند!



از آهن گداخته، از فرکوره هسسا، ر بیجش مدا و مویکیر دسده هسسا، ا رطر کارگاه، در کارخانه هسسا، آیدیکی خروش: ایجاست کارگر!

از زوان کار که کوبیدنا شتاب، زرخا سواده ای که کرسه است وقت خواب، از بردهان جسمه هسکا ما عتصاب، آیدیکی خروش: ایجاست کارگر!

از حیره های زخم، و رقطره های خون، رسنه، نگا فته، این دشت لعل کون، آماج سروربع و تر دمسس حسون، آیدیکی خروش: ایجاست کارگر!

از احکرمهغه و از شعله، نهان، و آس حقیقت پیوسته، زمان، از سراسر اسلاب، از فلک سارمان، آیدیکی خروش: ایجاست کارگر!

## امپریالیسم آمریکا به کمک

### دولت لهستان می شتابد!

تا اوج کمری بحران کارگری در لهستان، سوز و آبی بی المللی به کمک "همسویان" خود در لهستان شتافته است. امپریالیسم آمریکا، رهبری کمک رسانی اقتصادی را بعهده گرفته است. نکته‌های حالب آور برای رویزیونیست ها، و انواع ایرانی چون بوده آنها و اکثریتی هاست. برای همین هم در این مورد دم برنی آورند. آخر میدانند به هیچگونه طریقی و تگردی نمی تواننده کارگران و مردم به قیولانند که امپریالیسم آمریکا به حال "سوسیالیسم" در لهستان دل مسوزانند!!

که هر راست آمریکا در احسار لهستان بگذاردا لخر ۷۰ میلیون دلار میسود که فاسل پرداخت به یول لهستان می باشد. "تاکیدات از ما است" نتایج "سوسیالیسم" پیشرفته!! "نوع روسی کاملاً روشن میسازد. "سوسیالیسم" پیشرفته ای "که محتاج به امپریالیسم آمریکا میگردد و یکی از رهبران خود را به گدایی نزد سردمداران سیاسی - مالی امپریالیسم آمریکا میفرستد. این امر فقط کلاشان توده ای و اکثریتی می توانند توجیه کنند و هنوز لهستان را یک کشور "سوسیالیستی" بدانند.

اهداف امپریالیسم آمریکا سز ووش هستند. امپریالیسم آمریکا در بحران لهستان که بسیار بیدان "علاوه فتمد" است روزنه ای گشا دیافته است تا بوسله آن در حوزة نفوذ رقیب خود، سوسال امپریالیسم شوروی، رخسبه نماید. امپریالیسم آمریکا مایل است تا این رخنه و نفوذ هر چه بیشتر عمیق بشود. همین خاطر حتی حاضر است که لهستان بهای کمگهای جنسی دریا منسی از آمریکا را مایول لهستان بحای ارز بین المللی مورد قبول امپریالیست ها بپردازد، تا اهرم های فشار بیشتری در

دست داشته باشد و همچنین کنترل بیشتری در اقتصاد لهستان داشته باشد. (نا گفته نگذارم که لهستان حدود ۲۲ ملیار دلار سه امپریالیسم لهستانی غربی بدهکار است) همچنین آمریکا میسود تا با کمک اقتصادی به لهستان، در عین آنکه محاری نفوذ می یابد، گسترش بحران کارگری را تخفیف دهد تا از حرکت اشتغالگرا نه شوروی جلوگیری کند. حرکتی که آمریکا هنوز برای آن کاملاً آماده نیست. ولی بحران کارگری لهستان عمیق تر از آنست که ما این ممکن های امپریالیسم لهستی بتوان آسرا خوانند. لهستان آستن حوادث و بحران های عمیق تری است.

طبق گزارش خرسکزاری فرانسه (مندرچ در انقلا ب اسلامی ۱۶ فروردین ۱۳۴۰) ژانگیلسکی معاون نخست وزیر لهستان برای گدایی به واشنگتن سفر کرده است. در این سفر وی با جرج بوش، معاون ریاست جمهوری، الکساندر هیک و بربرا مورخا رجه، ژان سلاک و برکتا ورزی آمریکا، رابرت ک. نا بار رئیس بانک مرکزی (ربردها ع آمریکا در دوران جنگ و بینام) و برخی از اعضای کمیسیون خارجی سنا و مجلس نمایندگان آمریکا ملاقات و گفتگو کرد. خبرگزاری فرانسه گزارش میدهد که: "مخافسل درینی (آمریکا) ... از تبادل نظر های مفید مقامات آمریکا و روسیلسکی اظهار رضایت کرد. و در این باره رایی آمریکا اظهار کرده از انگلیسی متکلمات اقتصادی و مالی لهستان را سبک نام را در میان گذاشته است. میکان ما را در بیدار خود با ژانگیلسکی علاقه آمریکا را به وضوح لهستان اظهار داشت. وی افزود میزان گره و شیر خشک

## امیران نظام را به چه جرمی محاکمه میکنند؟ بهشتی ها هم باید محکوم شوند!

امیران نظام مجرم است. او در شرایطی که دولت وقت و شرکاء گرم سازشکاری سبب ارتجاعیون و دلالان امپریالیسم پس بعد از انقلاب ما بسوده است، با امپریالیسم آمریکا مبادله اطلاعات و مکانستت مکرده است یعنی به زبان صریح وی حاسوسی میکرده است و مجرم است! اینکده و کارهای خود را با بطارت بهشت آزادی و دولت موفقت انجام میداده است و اینکده با فوانسین شرع و قانون اساسی برای قیصر در وقتش ایگونه مجرمین سبانه های دار دنیا، از نظر انقلاب منسازان علی السوه به است.

است. و ما میگوئیم که بنا بر این محکوم شدن امیران نظام در واقع به معنی محکوم شدن سیاستهای استکبرانه دولت موفقت لیبرالی در رگان درارش با امپریالیسم و ارتجاع و استسبه آن در ایران به پیش میبرده است. و از این نظر مساله حکومت امیران نظام در و حدان آنگاه مردم ایران صورت می گیرد و او بیخاطر شدن منحصی که در تلاش برای نطف و تسدوم منافع آمریکا در ایران داشته است، محکوم است.

آبای امیران نظام به نول خودسان و مهندسی با رگان رابط سیاسی بنض آزادی و سلاقی آن با خارجیا بوده اند. اینان از همان دوران سببه خارجی تا اطلاعات میداده اند و از آنجا تا اطلاعات میکرده اند و اینها همه چیزی سوده است

مکراسازشکاری مفرط با امپریالیسم. ایشان و دوسان نشان میسوزیده اند تا امپریالیسم آمریکا و بطور منخص جناحی از حزب دمکرات آمریکا را متفاد کنند که سرمایه سار سار و در سار شاه دیکتاتور فوری آرام تر شود و آنها و امثال آنها را هم در حاکمیت شریک کند. اساس سیاست ما روزه ما دیکتاتور میس با تکه سرچنا جنای امپریالیسم سیاست راست ترین بخش های سرمایه داری ملی ایران بوده است و سستی است که در دوران های انقلابی آنها را در حیا است به انقلاب سون میدهند. بیرونی انقلاب ایران در حقیقت غرضم این سیاست و سبک موفقتگری جناح حمسی در آن موفقت بر علیه رژیم شاه و اربابان حاصل شد و کربس این

## امیر انتظام

بقیه از صفحه ۱۰۰

آقایان درآندوره هم آماده بودند تا با شاه کنا ریبیا پندیا دستکم با امپریا لیسمکنار بیابند و با نظام استبدادی محمدرضا شاه که قدری متین تر باشد و آنها را هم بیسازگی کرد سازش کنند.

سید است که علیرغم سرنگونی رژیم شاه این آقایان بکار خودشان ادا مدها دند و این که اینها و امثال اینها توانستند بعدها بعنوان دولت وقت انقلاب در صحنه سیاست ایران انقلابی ابراز وجود کنند گواها نتوانی انقلاب ورهبری آن از استمرار انقلاب و همچنین سازشی است که با آنها در سال صورت گرفت. وگرنه ملت در انقلاب خود در قیام ۲۲ بهمن اینگونه سیاستها و سیاستمداران را در عمل محکوم کرده و با خون سرخ خود حکم آنها را امضاء نموده بودند.

آقای امیر انتظام و دولتی که ایشان سخنگوی آن بود در زمانی دوره ای که امورا جزیه بی مملکت را در دست داشت همواره نشان داد که جد جدی با انقلاب و اادامه آن در ارتباط گیری های ایشان در دوره ما قبل انقلاب با جریان های آمریکایی گواها سازشکاری معرط امثال او و نظریه سیاسی ای بود که آنها تمام پندگی می کردند پس از انقلاب و در مقام دولت انقلاب این ارتباطات به معنای خیانت به انقلاب بوده است چرا که ایشان از یک

طرف نیروهای انقلابی ضد امپریالیست را در جا مدها انواع بهتان ناروا مورد حمله قرار میدادند و در بسیاری موارد رد بعنوان بخشی از دولست موقت مسئولیت کشتار نیروهای انقلاب را بر عهده دارند و از سوی دیگر با دشمن بزرگ انقلاب سرچگونگی رسیدن به توافق چانه میزدند.

آقای امیر انتظام به این جرائم متهم است او محرم است! و محکوم است! در پیشگاه ملت و انقلاب محکوم است. شعار رنگ بر سازشکاران رنگ بر سازشکاری در دوران انقلابی قبل از بهمن ۵۷ اعلام جرم ملت بر علیه جریانی بود که از امثال او نمایندگی میکنند و اسناد جاسوسخانه هم سند دیگری است که همانند اسناد دیگر از قبیل سخنان امیر انتظام و بازگان و عمل کرد آنها در دوران ما قبل و ما بعد بهمن ۵۷ صحت این حکم را مدلل میسازد.

ملت باید که مضمون این جرم را بشناسد. ملت باید بداند که سیاست آنها است آنها و امثال انقلاب سنگ میاندا زد. قبل از سرنگونی رژیم شاه این سیاست در راه مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم سنگ می انداخت و پس از آن بهیم زمین را برای روی کار آمدن یک استبداد دوا بستند و نوکسر بیگانه فراهم میکرد. مملست با بد سیاست این مضمون راه را برد خالت این جریانات راست در درون نهضت بستند تا بتواند در پیکار انقلابی خود به پیروزی دست یابد. این است مهمترین محصول آنچه که نهضت صدا میریالیستی و سازشکاری در همین ما میتوانست با آورد و این درسی است که در آینده بهمت فدا میریالیستی و فدا رتجاعی مردم ما با ندیدیا سپرده شود. اما امروز ما کمابسی انتظام در جا مدها در شرایطی

مورث میگردند که حزب جمعیوری اسلامی همچون بخشی برسمای دسنا وردهای انقلاب جنگ اسدا خنه و آسرا با مال میکنند امروز اس مدها در شرایطی برگزار میشود که سرد مسدا ران اسبدا د جو بزرگترین سازشها را با امپریالیسم در جا مدها ندارک میبینند و بیرون مسدا حویان سازشی را که در راست با مساله گروگانهای آمریکایی بی افکندند مدها عرصه های انقلاب تحصیل نمایند. امروز اینها میروند تا اسبدا دیرا بر جا مدها حاکم کنند که گنسه لیسرا لهما زمینه سازی بسرای حاکم شدن آن و سازشکاری با آن است. بنا بر این ما بسرای محکوم کردن امیر انتظام ما توسط حزب جمهوری و امثال او کوچکترین ارزشی فائسل سیستم.

### سران حزب شریک جرم امیر انتظام هستند.

سران حزب جمعیوری اسلامی چه در دوره قبیل از انقلاب و چه پس از قیام بهمن ۵۷ در حرم امیر انتظام هم شریک بوده اند. آنها با ستند همان اسناد جاسوسخانه و هویزها به بحث نشستند و تئیدنت را جی بجوید که از تعمیق انقلاب جلوگیری کنند. آنها پس از انقلاب هم منظورند در مذاکرات امیر انتظام هم آمده در جریان مذاکرات بوده اند و اسناد ارتباطات آنها با آمریکا نشان در جاسوسخانه موجود است اما آنها توسط عواهل خرد آفشای این اسناد جلوگیری کرده اند. اسرا از سیاستهای ارتجاع و مورث خلق و سازش با ارتجاع و مورث المسم بنامای بی فیدو شرط می کردند و امثال آیت خا را که خود سازشکاران مارک دار جناحهای امپریالیسم هستند در میان خود دارند. بنا بر این حکمی نه در دوره امیر

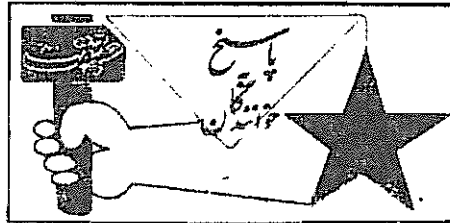
انتظام ها جاری میشود یا بد در مورد سبستی و سازش هم جاری شود و این نکته اول است

### سران حزب خواهان محکوم کردن سازشکاری با امپریالیسم نبوده و نیستند

اگر سازشکاری و مسرا وده با امپریالیسم حرم امیر انتظام هاست. سران حزب جمهوری اسلامی یعنی سازش باقی ها چگونه میتوانند این جرائم را محکوم کنند. آنها از همان آغاز طرح مسالسه امیر انتظام از جانب دانشجویان پیرو ما با آن مخالف بودند و خواهان خاموش شدن شعارهایی بودند که ممکن بود در آنجا راهم بگیرد. مگر غیر از این است که جهشتی و دستجاتی در مسورد مسالسه امیر انتظام سکوت کردند و گفتند که در این مورد موضعی ندارند. مگر غیر از این است که آقای موسوی اردبیلی خود در جریان مذاکرات آقای امیر انتظام بوده است و حتی یک جلسه امیر انتظام با استمیل و سونیوان گویا در منزل ایشان برگزار شده است و..... مگر غیر از این است که انکاسی که افناگری دانشجو بان خدامام در رابطه با امیر انتظام از تلویزیون پخش شد. حزبییون از اقصی نقاط کشور خطر را احساس کرده و خواهان مترقد شدن کار شدند و کار را بخایی رسانند که سخنگری دانشجویان آماده حضور در دادگاه و صا کمه شدن شد.....

سران حزب جمهوری کسه از طریق دولت رجایی در مورد مساله گروگانها تسرا رادی خاشنا شروع تسرا رداد و شوق الدوله را امضاء کرده اند و گروگانها را آزاد کرده اند. آنها که اسناد ارتباط شان بقیه در صفحه ۲۱





نیز شرکت دارند. فمنا

داریوش فروهر دسیر حزب ملت ایران اعزام شدگان به جبهه را تا عظیم به کوچ بدرقه کرد.

دوماه بعد روزنامه اطلاعات در شماره ۲۹ آذرماه ۱۳۵۹ با تیتر درشت "ششوروش بزرگ در کردستان عراق" را تحت عنوان خسر "اختصاصی اطلاعات - جبهه تازه ای در عراق گشوده شد" اعلام کرد. این "شورش بزرگ" چیزی جز عملیات "قیاده" موقت "و سیاه" حاکمان "فروهر که خیر آن در "انقلاب اسلامی" آمده بود، نبود. اطلاعات روز بعد "جزئیات عملیات چریکی در کردستان عراق" را با تیترو درشت در صفحه اول همراه با عکسهای چاپ کرد. بخش ناشی از این خبر را نقل مینمایم:

" حاج قدرت الله لطفی سرپرست سیاه حاکمان (فاخ) در مورد این عملیات موفقیت آمیز علیه رژیم بعثی عراق گفت: چند روز پیش با برادران کرد با رزانی بطرف ارومیه حرکت کردیم و وارد ارومیه شدیم و جهت هم آهنگ کردن کلیه کارها جهت باز نمودن جبهه دوم بیسار تشبه خوار با ربا پول و مهمات بسوی پایگاه دومان در خاک عراق در ۱۵ کیلومتر در داخل خاک عراق حرکت کردیم. بیسار سه روز را هیماشی به پایگاه دوم رسیدیم که مدها نفس برادران کرد با رزانی آمدن (آمدند) آقا بان شیخ محمد خالده بیسار رزانی و ادیس با رزانی خیر مقدم گفتند پس از استقرار در پایگاه و تهیه اخبار اوضاع داخلی عراق و تشکیل چندین بارشورای خنکی سران نظامی آقمان با رزانیها تصمیم گرفته شد و تاریخ حمله بهاشی تعیین و به پایگاههای بسار راه اطلاع داده شد و بسا فرار با دو گروه ۳۵ نفر به فرماندهی آقمان احمد سعید و میرخان سررک و گروه سوم این افتخار بزرگ در جمع تمام سران نظامی آنها بصورت گروه بسا حاکمان (فاخ) گردید و بسا طرفیادگان مرکب سوار حرکت کردیم...."

روزنامه های تهران معمولا اخبار ملیات "فاده" را در کردستان عراق تحت نام "حزب دمکرات کردستان عراق" چاپ میکنند. روزنامه آلمان منست ارگان حزب ملت ایران شمرشروع بسا اخبار را منتشر مینماید و اخبار احیردومس سالگرد مرگ غلام حنقه بگوش آمریکا را شامل ملامتقی بارزانی را نیز درج نمود.

افشاگریهایی که در مجله "حقیقت" شماره ۳۵ آمده است تنها فطره ای را در بسا است. آنچه بسا را مهم است و تا کسرا انجام شده، جمع بندی از جنبش کردستان عراق است. چرا مبارزه عادلانه خلق کرد علیه ستم ملی در عراق رسوایرجم نشود انبارفت و با آنچه دست امپریالیسم آمریکا و بسا بسا نسینما و نوکرمان شاه مرنج شد؟ چرا طبعه فتودال رهبری این جنبش را در دست گرفت و نقش سایر طبقات (طبقة) کارگر و بورژوازی و حده بورژوازی) چه بود؟ و بسا یاری سئوالات دیگر.

دراواخر قرن ۱۹ سلطان عبدالحمید عثمانی برای سرکوبی جنبشهای دهقانی و مبارزات آزادیخواهان خلق کرد و ارمی و دیگر خلقهای امپراطوری عثمانی نشود. دالیهای کرد را متشکل کرد و در مدارس نظامی عشا بیری نفرات را آموزش داد و آنرا جنبش "حمیده" نامید. این سیاه و فتودالی جنبشها بایات متعددی علیه جنبش دمکراتیک و فداستعماری خلقهای امپراطوری عثمانی مرتکب شد. درودسته "قیاده" مونسیت چیزی جز تکرار کمدی و ارایین نرازدی نیست. اینان مزدور امپریالیسم آمریکا شدند و بسا خلق کرد و انقلاب عراق و ایران و جنبش فلسطین خنانت کردند. درودسته رهبری کتوسی "حزب دمکرات کردستان ایران" بسا فاسطوها، صا رما مدیها و سرهنگ قادریها بسا بطرسا سی و نشی کد در تاریخ دارند از ایل و سار سساه "حمیده" و "قیاده" مونسیت هستند. اینان مزدوران رژیم بعث عراق و در بسا سدا کارگران سیاست و برما مه امپریالیسم آمریکا مینا بندودش انقلاب ایران و خلق کردهستند. "حب" آقمان حسی ما بسا بسا سئوال مردم بسا دهده که

چرا همسگران حزب دمکرات هستند. در مورد سئوالهای دمکراتها بسا بسا خواهیم داد.

ن-م. قیروز

سئوال کرده است "لسرالیسم غریبی چیست؟ اگر در مکنند سه دلایل را کرم و فمنا چرا؟"

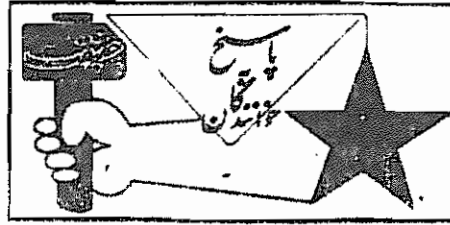
ساخت اینک لسرالیسم بطور کلی مخلوق است مربوط به پیدایش ورندهگی سیاسی بورژوازی. لسرالیسم که از واژه لسر (یعنی آزادی) - منسب میگردد، بطور کلی به معنی آزادیخواهی است. لشکی نما نمیتوانید در دنیا دو لسرالی را بسا سید که یک شریف واحدی از لسرالیسم و متحوی و مضامین آن بدست دهد. لسرالیسم آزادی خواهی نسوع بورژوازی است، و در چارحوب منافع طبقاتی بورژوازی محدود میگردد.

رما بسا سرمایه داران که قسدرت اقتصادی بدست آورده بودند، ناشی از موقعیت ممتاز اقتصادی شان نسبت بسا فتودالها، حواسا رذرت سیاسی شدند، لسرالیسم تبدیل به برجسی شده بسا رزوازی برای کسب قدرت سیاسی آنرا به اهتزاز درآورد. مالکیت فردی آزاد است. این مهمترین اصل لسرالیسم و در مقابلها قدرت فتودالیسم عنوان گردید. مالکیت فردی با بقا نونگی با شقوق هر عضو جامعه شریست. این اصل نیز در مقابل حکومت فتودالی که اصلی ترین مانش توسل به زور میباشد. شد، توسط بورژوازی علم گردید.

مارکس میگوید:

"... مالکس خصوصی لسیرال، در آغاز انقلاب فرانسه با اذعان به این مطلب که مالکیت خصوصی حق انسان است به آن یک ظاهر لسیرالی دادند. آنان اگرچه به لحاظ موقعیتشان بمشا به بسک حزب انقلابی، مجبور شدند چنین کاری نکنند؛ آسان نه تنها مجبور به دادن حق مالکیت به مردم (روستایی) فرانسه گردیدند، بلکه اجازه بصرف املاک واقعی به آنان دادند، و بورژوازی بسا کار را آنها بسا دین خاطر کرد. بسا مالک خود، کدیش از هرچسز این مورد نظرشان بود، محفوظ باقی ماند." (اندئولسوزی آلمانی)

بورژوازی بسا ارا بسا طریق، صفحه در صفحه ۱۳



سل ملی و صدامیرا لسی بختری دارد .  
 منشاء اختلاف من از اس دوحربان  
 را با بد در اختلاف من ان حناهای عمق  
 مانده و بسرو نرسوزواری ملی ایران  
 دانست .

س. الف

سرحی اسفادات در مورد کم بها  
 دادن به بخش ونا شرات سورزواری ملی  
 وندخت در جنبش ما از سوی حرساناب کمو-  
 نیستی . رحله " حقیقت " - را مطرح  
 کرده اند . ما ندیکوشیم که هر چند ما نما در  
 مورد این گرایش انحرافی در میان جنبش  
 چپ بطور کلی موافق هستیم ، لیکن در  
 مورد استفا دشما مننی بر کم بها دادن سه  
 نقش ونا شرات حرساناب سورزواری ملی  
 در جنبش مردم ایران از سوی خودمان  
 موافق نیستیم . شما میتوانید رجوع  
 به " حقیقت " های ما قبل قیام بهمین ماه  
 و بسز پس از آن به این اختلاف میان ما و  
 اکثر نیروهای چپ پی ببرید .

ضمنا شما خواسته اید که " پیرامون  
 جنبش مذهب در این انقلاب و اینکچنین  
 عواقبی را آیا میتوانستیم هما نزمان  
 پیش بینی کنیم یا نه " توضیح دهیم .  
 پاسخ لازم به سوال مربوط به نقش مذهب  
 در این ستون نمیگنجد ، هر چند که در خلال  
 معاللات متعددی در نشریه " حقیقت " سه  
 جوانبی از این سوال پاسخ داده ایم ،  
 لیکن اسدواریم این موضوع در آتیسه  
 مورد بررسی و تفسیر بیشتر و کامل تری  
 قرار گیرد . در مورد عواقب این حرکت  
 نبر ما در حدودی - هر چند نا کامل - در  
 " حقیقت " های ۲۳ و شماره های بعدی آن  
 سخن رانده ایم . لیکن طبیعی است که ما  
 و جنبش کمونیستی بطور کلی بخاطر فقدان  
 رابطه نزدیک با توده مردم در سالهای  
 ما قبل از قیام نتوانستیم به اهمیت این  
 موضوع پی برده و لذا عواقب و اهمیت  
 عملی آنرا پیش بینی نمائیم .

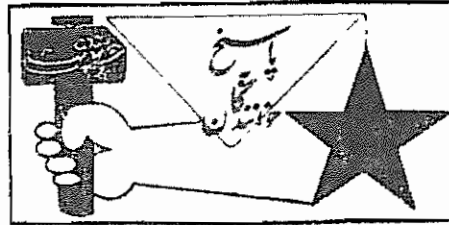
مورد دیگری که ذکر کرده اید ، عدم  
 دقت " حقیقت " در سر خوردیه نقش بسو-  
 رزواری ملی بعد از انقلاب است . و نیز  
 از جمله کم بها دادن اتحادیه کمونیستیهای  
 ایران را عدم شرکت در مناظره تلویزیونی  
 نی با سنی صدر ذکر کرده اید . ما ندیکوشیم  
 ما منگرا خشتا هات احتمالی خود در این  
 زمینه نیستیم ، لیکن لازم است مسوارد  
 متخمی را طرح نما شید با در صورت وجود  
 اشکال بدرمع آن سکوشیم ، و اما در مورد  
 عدم شرکت در مناظره با آقای سنی صدر ،  
 اولاً یکی از هواداران ما آقای سنی-

نهایی سرمایه داری علاوه بر استعمار ، از  
 طرق مختلف نیرچپا ول سگردهد .  
 ما کمونیستها مخالف لبرالسم  
 هستیم . اولاً بخاطر اینکه آزادیها موجود  
 در این مقوله ما با آزادی بورژواهاست و  
 نه برولترها ، راز منافع سورژواهاست در  
 برابر پرولتاریا دفاع میکند . و تا سباز  
 نقطه نظر روش سیاسی بسز بخاطر و استنگی این  
 به ایدئولوژی سورژواری انقلابی نبوده و  
 نمیتواند استعمار انان از انان را سر  
 طرف نماید . و با آزادی بودن حق مالکیت  
 برابر از تولید همواره طبقه کارگر را در قید  
 استعمار و بندگی خود قرار میدهد . این  
 پاسخی خلاصه به سوال شماست . امیدوارم  
 به در آتیسه جوانب گوناگون این مطلب  
 را بیشتر بشکافیم .

ع. خ

سوال کرده است ۱ - آیا در عصر  
 امپریالیسم سورژواری ملی وجود دارد ؟  
 به چه صورت ؟ و ۲ - اخیرا اختلافاتی بین  
 جناح بنی مذهب و نهضت آزادی به چشم میخورد  
 منشاء این اختلاف چیست ؟  
 برای پاسخ به سوال اول به مقاله  
 " درباره سورژواری ملی " در " حقیقت " شماره  
 ۹۵ و ضمنا به ستون پاسخ به خوا-  
 نندگان در چند شماره گذشته رجوع نما شید .  
 در مورد سوال دوم هما نظریه که مبدا بنی  
 بنی مذهب و جناح او نهضت آزادی هژدو  
 متعلق به سورژواری ملی ایران میباشد .  
 لیکن نهضت آزادی جزء جناح راست بسو-  
 رزواری ملی و قبل از قیام نیز جزء جناح  
 سلطنت طلب سورژواری ملی بود . نهضت  
 آزادی عمیفا ضد کمونیست و سازشکار ضد-  
 انقلابی میباشد . نهضت آزادی هر چند که  
 در صفا ارتجاع و امپریالیسم نیست لیکن  
 یکی از جارو کشان مهم آن میباشد . نهضت  
 آزادی موافق یک مبارزه جدی علیه حزب  
 انحصار طلب جمهوری نیر نیست و در این  
 زمینه سزبانسی عدرا اختلافاتی دارد .  
 لیکن بنی مذهب نسبت به نهضت آزادی بشرو  
 تری بوده و مواضع اش مترقی تر است . او  
 اصولا مخالف سلطنت و مدافع جمهوری  
 ( روشن است در جا رجوب منافع سورژواری  
 ملی ) است ، کمتر ضد کمونیست است و شما -

یعنی اعلام اصل حق مالکیت  
 انسان و اصل قانونی بودن این " حق " ،  
 میتوانست در برابر اصل مالکیت بر اساس  
 زورگویی فئودالی موقعیت سیاسی مناسب  
 خود را بدست آورده از حق مالکیت خود دفاع  
 نماید .  
 بنا بر این می بینیم که لبرالسم  
 واژه سیاسی مختص به سیاست غرب نبوده  
 بلکه اصولا مربوط است به پیدایش و رشد  
 طبقه بورژوا . طبیعی است که چگون  
 بورژواری در وهله اول از اروپا سر بر آورد ،  
 لبرالسم نیز در غرب شکل گرفت .  
 بنا بر این لبرالسم یعنی " انعکاس  
 ایده آلیستی منافع واقعی سورژواری "  
 ( مارکس - " ایدئولوژی آلمانی " ) البته  
 این مقوله سیاسی مربوط است به مرحله رشد  
 سرمایه داری رقابت آزاد . یعنی مرحله  
 ابتدائی سرمایه داری . و برای اینکه رقاب-  
 بت آزادانه اقتصادی برای سورژواها  
 بتواند شکل واقعی بخود بگیرد ، لازم میآید  
 تا همه رقیبان در برابر قانون واحدی از  
 حقوق برابری برخوردار باشند . اصل  
 برابری در برابر قانون برای افراد بشر  
 نیز از همین موقعیت اقتصادی سورژواری  
 سرچشمه میگردد . لیکن با آغاز مرحله  
 انحصاری سرمایه داری رقابت آزاد به امیر-  
 یالیسم ، لبرالسم نیز پایه های اجتماعی  
 و اقتصادی خود را رفته رفته از دست داده و به  
 لحاظ تفوق انحصارات بر اقتصادی مع-  
 ارتجاع و انحصار طلبی به پرچم سیاسی طبقه  
 بورژواری امپریالیست تبدیل میگردد .  
 در جوامع امپریالیستی ، لبرالسم در  
 عرصه سیاست و فرهنگ جا معه واژه بی معنا -  
 بی است که سورژواری انحصارگرتنه برای  
 فریب مردم به آن متوسل میگردد . آزادی  
 دیگر جای خود را به انحصار و ارتجاع میدهد .  
 هرگونه جنبه مترقی ایدئولوژی بسو-  
 رژواری از بین میرود .  
 البته لازم به تذکر است که چه در مرحله  
 اول جا معه سرمایه داری ( رقابت آزاد ) و  
 چه در مرحله نهایی آن ( امپریالیسم )  
 آزادی برای طبقه حاکم وجود دارد . فئودالی  
 فئودالی از بین میروند ولی کماکان کار-  
 گرده مرحله نخست تنها آزاد است که نسروری  
 کار خود را بفروشد ( استعمارگردهد ) و در مرحله



مدیرطور غیر رسمی در مناظره ( غیر تلو — بزیونی — بخاطر انحمارطلبی های حاکم سر دستگا صدا و سیما ) شرکت کرد ، ثانیاً ما قبول میکنیم که در استفاده از شرایط موجود پس از قیام مردمی رز و تبلیغات علمی کمبودهای قابل توجهی داشته ایم ، که امیدواریم در رفع این اشکال در آتی — ما نند شرکت در مناظره های سیاسی پیش — نهادی اخیر — بکشیم .

رفیق س — الف در خاتمه از ما خواستند آنکه تحلیل دقیقی از برنامه های بورژوازی ، شناخت کامل از تاکتیک های وی داشته باشیم و در نشریات خود منعکس نمائیم . تاکنون هدف مقالات منعکس "حقیقت" پیرامون تاکتیک ها و برنامه های طبقات مختلف از جمله بورژوازی ارثیه چنین تحلیل هایی بوده است و در آتی نیز به این مهم خواهیم پرداخت .

همین رفیق سئوال دیگری برایمان ارسال داشته اند بدین صورت : " شاعر سرنگونی حزب ' نا مانوس می نماید ، اینکه شما همانند بنی صدر و مجاهدین چنین شعاری را بعنوان شعار روز عنوان نمیکنید ، نا مفهوم است ، چون خاطر ندانم سرنگونی حزب بتواند یا سخگوی بسک حرکت مارکسیستی — لنینیستی باشد . چنانچه در دوران شاه ما سرنگونی رستاخیز را فقط نمیخواستیم ( با توجه به تمام و تنی که میان این دو هیئت حاکمه در دوره مختلف وجود دارد ) دادن چنین شعاری در زمانیکه خمینی از داشتن قوه مجریه محروم است و حزب کلیه قوه مجریه را در اختیار دارد ، دادن چنین شعاری بدون دربرگرفتن دولت قابل توجه و تحلیل میباشد . لطفاً توضیح دهید . "

رفیق س — الف یکی از مهمترین سئوالات را طرح کرده اند . مهم از این نظر که هر یک مسئله اساسی انقلاب و حفظ مناسی در سبب گذارنده اند و در تالی این سئوال و نکته ای که در بردارند دقیقاً وجه تمایز ما را کمسیم — لنینیسم با رویزیونیسم ( حرب توده ، اکثریتی و سبجری ) از بگسوسا شروتنکسیم و جب نمایی ( نوع بنکساری ) از سوی دیگر با توجه با رزی شما ان میبازد ، بهر حال امبد اورسم کدیا سح دسل و

نیز مطالبی که در سرمقاله همین شماره و شماره های آتی "حقیقت" خواهد آمد انبام دهن شمارا رفع نماید . ما توضیح اینکه بنظر ما حداقل تاکنون آقادی بی صدر از چنین شعاری حانیداری نمیکنند به پاسخ سئوال شما میبپردازیم .

وجه تشابهی که شما میان این شعار و شعار صرفاً فدرستا خیز در دوران شاه طرح میکنید ، اصلاً درست نیست . شعار سرنگونی رستاخیز در دوران شاه معدوم بدون شعار سرنگونی کل حاکمیت سیاسی آلمان معنی نداشت . البته همانطوریکه خود شما اذعان دارید بخاطر موقعیت مسلط حزب جمهوری برارگانهای احرایی دولت ، شعار سرنگونی حزب جمهوری نیز نمیتواند بدون سرنگونی این حکومت مفیوم باشد . لیکن تفاوت اساسی میان دوره قتل و بعد از قیام وجود دارد . صف بندی طبقاتی قبل از قیام در قدرت سیاسی و احدویک دست ارتجاعی بود . لیکن پس از قیام جناح های ارتجاع باقی مانده از رژیم گذشته و بنیز : بورژوازی دلال ، بورژوازی ملی خرده — بورژوازی تشکیل دهنده اجزاء طبقاتی قدرت سیاسی جدید هستند .

رویزیونیسم نوع روسی و یا چینی مخالف سرنگونی حکومت بطور کلی میباشد ، و رسیدن به سوسیالیسم ادعایی خود را از طریق تکامل همین صف بندی طبقاتی قدرت سیاسی — راه رشد غیر سرما به داری و یا به شکل سه جبهه ای ایجاد حبه واحدی از خلق و ارتجاع در برابر قدرت شوروی و بطور کلی تکامل نیروهای مولده میداند . ما در اصل با این طرزنگرش در تضاد هستیم . جب نمایی و شروتنکسیم موافق سرنگونی حکومت بطور خاص میباشد ، لیکن در عین حال نمیتواند نیروهای مترقی را از نیروهای ارتجاعی موجود در قدرت سیاسی تفکیک نماید . ( و چون نمیتواند چنین کاری را بکنند همه را یک دست ارتجاعی میبندارد ) ، جب شما ان و شروتنکسیمها خواهان برقراری حکومت خودشان هستند چون نیروی دیگری جز خود و همفکران خود را معرفی نمیدانند . آمان صف خلق و فدایی ( نیروهای مخالف امبرالیسم و فئودالسم و سرما به داری سرک و مدافعین

این حرمانهاست ) را سوسیالیستیک بدانند و عملاً صفی از خلق و صد خلق را در مقابل صف دیگری از خلق و صد خلق قرار میدهند . روش است سارحسرت آشنکی در ساسات به سوسا سدره سوری اسور را در دست گیرند و به صحبت ارا انقلاب و افنی سوسا سدرمیان باشد . بلکه صرفاً خود را به اظهارات دل خوش کن روشنفکران به ساطلدی انقلابی و مارکسیستی سرگرم میکند . آمان بلحاظ سر خورد و تحلیل و منی غلط شان نسبت به بورژوازی ملی خرده بورژوازی نمیتوانند در هر چیزی توده های مردم — اعم از کارگر و دهقان و خرده بورژوا و بورژوازی ملی — را کسب نمائند . ما در تاکتیک کلی با این طرزنگرش در اختلاف و تضاد فاحشی هستیم .

ما چه میگوئیم . ما میگوئیم که سیاست درست آنست که بتوانند سراسری پیش برد انقلاب نا تمام ایران مفا بندی — های طبقاتی موجود را تغییر دهد ، وصف بندی واقعی خلق ایران را بر علیه صف بندی نیروهای امبرالیسم و ارتجاع توپا و قدیمی داخلی و یا دیدشان متشکل نموده و بیجا رابد . شعار سرنگونی حزب در خدمت چنین سیاستی قرار میگیرد . ما خواهان حفظ حکومت موجود نیستیم ، نظام کنونی سیاسی مورد نظر و خواست ما نیست . لیکن نیروهای موجود در این حکومت نیز یک دست نیستند و ما خواهان سرنگونی همه آنها نیستیم . بلکه میخواهیم در میان نشان شکافها بیندازیم و نیروهای بالنده و بالفعل مترقی را از نیروهای بالفعل ارتجاعی جدا نمائیم . روشن است که این کار را نمیتوان با حفظ نظام موجود سیاسی — اقتصادی که متضمن پیدایش نیروهای ارتجاعی چون حزب میباشند دست آورد . نظام حکومتی مطلوب و مورد نظر ما یک نظام جمهوری دموکراتیک توده ای ، یک جمهوری دموکراتیک سوبن است . این جمهوری و تاسیس آن در برگیرنده برنامه حد اقل کمونیستها میباشد .

در عین حال ما با نیرویی مانند محاهدین نیز اختلاف داریم ، چه در ارزیابی از صف بندی طبقاتی موجود در جامعه و علیالخصوص در قدرت سیاسی وجه در نحوه رسیدن به این شعار سرنگونی حزب . مبارزه اصولی و انقلابی برای سرنگونی حزب نمیتواند حدا از مبارزه علیه امبرالیسم و خصوصاً آمریکا صورت بگیرد . مبارزه علیه حزب نمیتواند حدا

### موسوی اردبیلی در دزفول

### باز هم بند را به آب داد!

سؤال دوه در مورد موسوی ماند  
 سد چ اصلاحات ارضی بود.  
 طبعی بود که انسان سخنوا -  
 بسند "شرا" وقت دانشمندی  
 با سند بهمنی خاطر اهل بهار  
 داشتند که "بحث در این مورد  
 طولانی میشود" که طبعی  
 فرستادن را اندازند و از بساخ  
 به این سؤال نیز "ما هرا نه!"  
 شانه خالی کردند. نکته  
 جالب برخورد مردم با این حرفها  
 بود. از این نظر که هیچکدام از  
 بهانه ها موثر واقع نشد و هیچ  
 کس سد آنها وضعی نگذاشت، و  
 درسی ندی برای دیگر مملکت  
 "مسئول" (ظهور نژاد نیز در این  
 سخنرانی حضور داشت و به همراه  
 اردبیلی به اندیشمندی رفتند)  
 روز بعد ۶۰/۱/۷۰ ظهر -  
 نژاد سیمراه خلخال در نماز  
 جمعه دزفول شرکت کردند.  
 انداختن خالی سخنرانی کرد  
 و کلی تعریف و تمجید از  
 ظهور نژاد و بعداً سخنرانی  
 از طرف ظهور نژاد به تعریف و  
 تمجید از "اسلام".

در سال سئوالات کسی  
 مردم، ایشان سپاه آوردند که  
 "عسکرم را در سپاهان جا گذاشته  
 ام موسوی نوانم سئوالات را بخوا -  
 نم." (نیشخند و تمسخر حضار)  
 عده ای در مقابل این بهانه  
 پیشنهاد کردند که بکنفرانس  
 لات را بخواند، اما ایشان بساز  
 هم سپاه آوردند که وقت کافی  
 ندارم، خلاص زمانه با اصرار  
 مردم روبرو شدند محسوسه با سخ  
 یحیی از سئوالات شدند. سؤال  
 اول در مورد تکلیف بود، ایشان  
 بعد از مقداری حاشیه رفتن و  
 اظهار اینکه با بیسی گفت  
 "شایعه شکتند" (بر سر این  
 واژه بسیار هم تا کنده استند)  
 بالاخره اعتراف کردند که بله  
 "مقداری، مقداری حزبی شلاق  
 بوده است" که در قلموس ایشان  
 شلاق شکنجه نیست، گویا ساز و  
 نوازش است. لایق خردشان ساد!

درود نر "مسئول اصلی حوادث  
 دانشگاه" معرفی کردند، که  
 طبعاً این نظر این آقایان بسیار  
 "مکتبی" مسئول اصلی کسی  
 جز مردم نیستند.  
 سخنرانی جناب موسوی  
 حول مسئله جنگ و... در مقابل  
 حملات موثقی و توپخانه نیروی  
 دشمن بود. بعد از سخنرانی  
 ایشان، عده ای سئوالاتی  
 کردند (بصورت کتبی) که فاسل  
 توجه همه مردم ایران است.  
 قابل توجه از این نظر که این  
 عالیجنابان حزبی جدا چقدر  
 مردم ما را دست کم گرفته اند. به  
 این سپاه، مبتدل و منکره  
 جناب اردبیلی برای از زیر  
 بار جواب سؤال مردم در رفتن  
 توجه کنید:  
 وقتی که موسوی اردبیلی یا در  
 حقیقت حزب کذائی "عینکش"  
 راجا میگذارد:

در تاریخ ۶۰/۱/۶ سه  
 دنبال سفر سه روزه، موسوی  
 اردبیلی به خوزستان، به دزفول  
 نیز آمدند و در مسجد جامع ایمن  
 شهر سخنرانی کردند. تعداد  
 جمعیت شرکت کننده تقریباً  
 بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر بود و  
 ترکیب شرکت کننده گان عمدتاً  
 از تعدادی جوانان بسیج و سپاه  
 و طرفداران حزب کذائی بودند  
 و در ضمن عده ای نیز از روی  
 کنجکاو به مراسم آمده بودند.  
 که در میان سخنرانی نیز عده ای  
 (نه قابل توجه) جلسه را  
 بصورت پراکنده ترک کردند.  
 در ابتدا بیانه مشترک  
 "سپاه پاسداران" و "روحانیت  
 مبارز دزفول" قرائت گردید،  
 که در آن بیانه ضمن حمله به  
 حوادث ۱۴ اسفند دانشگاه تهران  
 به اصطلاح از آقای اردبیلی  
 (طبق خط حزب) خواستند که هر

### پذیرائی "گرم" و بی شائبه زنان دزفولی

### مقیم گتوند از "خواهران حزبی"

او انداختند و امروز ما را  
 گرفتار چنین... کرده اند.  
 اوضاع بهم مجبور و  
 خانمها به "حوسی و حوشالی" از خانواده های دزفولی سه  
 محل را "ترک" میکنند. آبخارفته اند.

بعد از مدتها چشم انتظاری  
 بالاخره زنان قهرمان دزفولی  
 چشمشان به مقدم "مسارک"  
 خانم رجائی و خانم رفسنجانی  
 باز شد. در تاریخ ۶۰/۱/۴ این  
 خواهران "مکتبی" به مردم  
 ما منت گذاشته و قدم رنجسه  
 فرورده بودند و به این شهر  
 "شریف فرما" شدند. زنان  
 حق شناس دزفولی "یا سخی"  
 فراخور حال این خواهران  
 با ایشان دادند که قیلامردان  
 دزفولی به سر دسته حسرت  
 کذائی جناب بهتستی داده  
 بودند. خانم رجائی طبعی

### پاسخ به خوانندگان

بقیه از صفحه ۱۵

از مبارزه بر علیه متجاوزین سعی صورت پذیرد و بعداً افتد.  
 مبارزه علیه حزب نمیتواند...  
 چه مسئله ما رره برای سرگونی حزب جمهوری که مقدر  
 ارتجاع نوپا را تشکیل میدهد، مبارزه میان ما و حزب تنه  
 نیست. بلکه ما رره ایست متعلق به توده های وسیع مردم.  
 توده های مردم نیز تنها تحت رهبری یک خط منی درست میتوانند  
 بسج گردند، خط منی ایگه شتواند بوده های مردم را بر علیه  
 امیران سیستم بسج نماید، بتواند در جهت حفظ و تحکیم استقلال  
 سیاسی و یکف آوردن استقلال اقتصادی و فرهنگی و نظامی  
 ایران کام بر دارد، ستواند مسئله دهقانان - این توده کثیر  
 جامعه ما را حل نماید. سپاه در پر نوچس خط منی متحد کننده  
 بوده مردم است که ستوان بر علیه حزب بیرمان رره کرد و انسان  
 را سرنگون نمود. در این مورد به سرفا نه اس شماره نبر  
 رجوع نمائید.



## گرمانشاه (گرماشان)

### مردم در مقابل عمال حزب جمهوری

گرمانشاه (گرماشان) مانند هر شهردگری صحنه شرا-رتیهای چماقداران حزب جمهوری - معروف به "حزب اللیهی" ها "میباشد. و مانند هر شهردگری روز بروز، مردم به مقاومت و مخالفت جدی شروع عملی تر علیه خود سربیا و خود کامگی های این حزب مستبد کشیده میشوند.

تا چندی پیش گروهیهای چماقدار که سرشان همگی به حزب جمهوری و "نهادهای انقلابی" چون سپاه پاسداران وصل میشد، بکه تا زمیدان بود-ند. گروههای مختلفی ترتیب داده بودند که معروف ترین آن در گرمانشاه به گروه "شیت" موسوم بود. علنا به آزار و اذیت مردم و هواداران نیروهای انقلابی میپرداختند. فروشتند. گان نتریبات انقلابی و مترقی را بسا دکتک میگرفتند و... ولی با حرکت عمومی مردم بر علیه این خود سربیا و خود کامگی ها، که جنبه ای سراسری یافته است، تا حدود زیادی از "کسار آشی شان" کاسته شده و سوا مخالفت جدی مردم روبرو می گردند.

در اثر مخالفت جسدی و عملی مردم با این دارودسته های ضد انقلابی، در اثر شکاف عمیق با بنده در بالا، هر روز از "عالمین" این گروهیهای حماق دار کاسته میشود. عده ای از فریب خوردگان به ما هستند اما بایی میبرند و خود را از معرکه ای که ساسی و سانسیتی حزب جمهوری است کنار میکشند. بنا بر این تعداد افراد وابسته به این گروهها هر روز کمتر میشود. در میان مردم معترض و متغیر در حال در میان احیای هم آمده

است. "حزب اللیهی" ها خود را چیزی جز از "گروه شیت" اعلام میکنند. بنابراین روز ۴ اسفند ۵۹ زمانیکه عده ای از این چماقداران "شاعر مرگ" بر سنی صدر "ازکی ارما حد گرمانشاه" بیرون می آمدند با مخالفت شدید عده ای دیگر از حزب اللیهی های "قدیمی" روبرو میگرددند و با سترار می گذارند.

ولی با اینحال دست از شرارت و ورزیهای خود بر نمی دارند. انسان بخصوصی از ۱۴ اسفند و حوادث دانشگاه تهران، با یونان مدویا هدف، دست به ایجا ددر گیریهای در گرمانشاه رده اند. حربی ها در مدارس دست به ایجا داغشای مزنند. در مدرسه راهنمایی شفق، رشید ناخیدا آموزش و پرورش (حجت خواه) به همراه چند پادار به داخل مدرسه می ریزد و قصد دستگیری یکی از معلمین مبارزان را بینما بدکه ما مقاومت دانش آموزان کدسه دفاع از دبیر خود برخاسته بودند، روبرو میشوند و دست از یادرا زتر مدبران ترک میکنند. در دبیرستان امام خمینی هم دست به آشوب میزنند و فشار را بر دانش آموزان و دبیران اثرات مدهدند.

حزب اللیهی ها گروهیهای خود را در مناطقی از شیر سوخا در اطراف چهارراه احسان منمر کرده اند و به آزار و اذیت بیت مردم میپردازند. روز ۲۶/۱۲/۵۹ آنها، سد ساز یکی از فرودتندگان معاهدی افتند و روبروی ستاد ساسی معاهدی دختر معاهدرا میگردانند و باره کردن سربیا و وی وادست را دست میزدند. عروسته معاهد به مخالفت روبرو میگردند.

عده زیادی روبرو میگردند که از اسامی وحت ندومسداسه به سبک آمده اند. در دفاع از عروسته معاهدرا در صحنه شده و بنا بر این گروهی به حزب اللیهی ها میپردازند. تا آخره عروسته معاهدرا در دست این اسرار رها می دادند و حزب اللیهی ها را فراری!

در سیر حزمه معسدودی محترک و سود جو و ناران، هیچ کس با این دارودسته های شرور سردمداران آنها - یعنی حزب جمهوری - اظهار همسرداری نمیکنند. بعنوان مثال روز ۱۸/۱۲/۵۹، جنازه ۳ تن از شهدای جنگ را ضمیمه مکرده مردم شعار میدادند "سازش، به تسلیم، خوردتارها سی". طبق معمول بدندان هرنکسیر، ترجمه سند "مرگ بر ما فتنین و صدام" تکرار شد. در همین موقع یکی از حاجی های حزبی با زار گفت ما هیچ احتیاجی به "مرگ سردام" نداریم و "مرگ بر ما فتنین" کافی است!

این حاجی مرتجع یکی از شو-زیع کنندگان و محترکترین بزرگ گرمانشاه است که همیشه روغن ویزنج در مغسازهاش انباشته است. این حاجی معترف واقعی آن جریان است که دست حزب جمهوری خواسته، به معکر استقلال مین است، نه سفکر آزادی، فقط سفکر از سن شدن انقلاب و سروهای انقلابی است و با رفتن کامل دست و پا شدن برای جاسدن مردم، مرده شدیدا از حسرت جمهوری و عملش اظهار سراجار میگذرد. در مقابل سناطس میارزه، حادی که در بالاسس سنی مذروخرسی ها حزبان دارد مدسی صدر گراش دانشو از بی سنی ساسی میگذرد.

روزها معاندان سلامی سار سلا سب به سب روزها معاهدی رسمی دیگر، و مردم برای خرید آن حد میگذرد.

از گراسی مردم سسه روشنی سانی از مخالفت جسدی و سغفر عصق آنها: حزب جمهوری، آزادی کنی و استقلال فروشی این دارودسته شریر است. سروهای انقلابی با بد سکنه این مطلبی سرسند و نادانانه تصور نکنند که مردم در دام "لیبرالها" افتاده اند و بنا به توهم راجح سن چپ شما تصور کنند که گویا مردم "متوهم" هستند!! میباشستی کار انقلابی خود را در سسن مردم - سمانند همه جای دیگر - گسترش دهند و روشن کنند که مبارزه با حزب جمهوری، وجهی است از مبارزه برای آزادی و دمکراسی، و مبارزه علیه امپریالیسم و بیروزی در جنگ تحمیلی اشرار سنی عسسن است و با سدیایای آنها سسه پیش برده شود. سروهای انقلابی با بد این مخالفت بحق و انقلابی مردم را در جهت صحیح عقب دهند و نشان دهند که چگونه سروهای عوام فریبی چون حزب توده و جریکهای اکثریت، در نشوری و در عمل، به گروهیهای ضرت چماقداران حزبی تبدیل شده اند.

گراشات رسیده ارگرم- نشاه، در سنی سنا سنده سغرت عصق مردم از حزب و آمادگی شان برای مخالفت جدی و عملی سآن، و همچنین منفر دسترس سسه های حماقت از حزبی، نقلیل: افراد آنها و تکه تکه شدن آنها است. سناط از هر حیث برای کار انقلابی درین مردم آماده است.

## امپریالیسم آمریکا برای جنگ جهانی

### آماده می‌گردد

حک حوا به، مریا لیسیم  
 با بیاید - صخ کردن آن آمریکا  
 سی‌های تیریدایی که سرعده امر -  
 با لیسیم آمریکا سرسحر -  
 نورس آنها سنا به سنا را ن  
 روانی (کاری که در مورد کار رود  
 انجا م دادند).

سوروزازی آمریکا احمر  
 مظانبر بادی درباره "مسایل  
 روانی واحسانی" سرسازان  
 جنگ ویتنام میبیرا کند. بکته -  
 ایکه بوروزازی روی آن تاکید  
 میکند اینستکه این مسایل  
 "روانی" بخصوص در سرسازانی  
 که پس از ۱۹۶۸، که تظا هسرات  
 عظیم ضد جنگ، آمریکا -  
 افتاد - و ارد جنگ شدن مشاهده  
 میشود!! بوروزازی مردم  
 آمریکا را سناوا این "مسایل  
 روانی" میدانند و آنها را سرزشت  
 میکنند که از "قهرمانان" آمریکا  
 دفاع نمیکند و آنها را فاطلسین  
 زنان و کودکان می شمارند.

آن چیزی که امپریا -  
 لیسینها "مسئله" مینامند،  
 نشانه‌های شورش در سرسازان  
 بر علیه جنگهای تاجا و زکارانه  
 است.

این چنین "مسایلی"، در  
 جنگ ویتنام به فوروشا شده میند،  
 اخبار جک اندرسون، روزنامه -  
 نویس آمریکا سی، طی مقاله‌ای  
 گوشدای از این امر افاش کرد،  
 ولی فقط گوشدای از آن!! وی  
 نوشت که سنا بیرا ما رسمی ۵۵  
 سراز آمریکا سی فعلا لانه -  
 "دشمن" (یعنی انقلابیون  
 ویتنامی) کمک کردند، خدا قل  
 ۳۰ زسانی جنگی به ویتنامی‌ها  
 سوسند، و ۶۰ آمریکا سی سر  
 علیه سنا هبان آمریکا وارد  
 حک شدت، طی نوشته - آندر -  
 سون، اکثر سنا اس امراد،  
 و هسجنس هزاران جوانی که

حقوق پرسنل نظامی، صف داد -  
 سی ارسنهای امپریالیستی  
 را سنا پس میگدارند، مکنه‌ای  
 که در مورد سنا ما ارتشهای ارتجا -  
 عی مادی است؛ و آن اسکبه  
 این ارتشها متشکل از سوده‌های  
 ستمدیده‌ای هستند که هیچگونه  
 انگیزه‌ای برای دفاع از ستم -  
 گران ندارند، و فقط بار سوه  
 و سستشوی مغزی بدن کار کشیده  
 میشوند.

در عین حال، امپریالیسم  
 آمریکا مردم آمریکا را از نظر  
 ایدئولوژیک نیز برای جنگ  
 آماده میکند. تبلیغات وسیع  
 در از زمین بردن تانترات جنگ  
 ویتنام، تشویق و پیرا کنسیدن  
 روحیه "میهن پرستی" امپریا -  
 سالیستی در میان مردم، هدفی  
 بجز آماده ساختن ایدئولوژیک  
 مردم آمریکا برای جنگهای ضد -  
 انقلابی علیه انقلابات خلقهای  
 ستمدیده (چون ایران، آلسا -  
 لرادور و...) و جنگ امپریا -  
 لیستی آینده علیه شورویندارد،  
 در این جهت امپریالیسم  
 آمریکا اخیرا "محاکمه" ضد -  
 انقلابی‌ای برای "کاری کارود"  
 بخاطر همکاری با "دشمن" در  
 جنگ ویتنام ترتیب داد.

(کارود که در مراحل اولیه،  
 جنگ ویتنام دستگیر شد. فعلا -  
 لانه کمک انقلابیون ویتنامی  
 علیه امپریالیسم آمریکا بردا -  
 خد و به مدت ۱۴ سال در ویتنام  
 زندگی کرد، سال گذشته وی به  
 آمریکا بازگشت. او در آنس  
 محاکمه محکوم گردید و امپریا -  
 لیسیم آمریکا تبلیغات وسیعی  
 در این مورد انجام داد. هدف  
 امپریالیسم آمریکا از این  
 محاکمه روس بود: اولاً رهبر  
 خم کرفس از سرسازان ارتش  
 آمریکا و محسور سنا جنس آنان به  
 سرزود آوردن در مقابل اهداف

سیکاری اوج میابد و...  
 این بودجه جنگی صرف  
 آماده ساختن امپریالیسم  
 آمریکا برای جنگیدن و سرسده  
 شدن (آنطور که آنها دلشان  
 میخواهد) در جنگ آمده سنا -  
 سیال امپریالیسم شوروی خواهد  
 گردید، نیروی دریایی، برای  
 امپریالیسم آمریکا اهمیت  
 درجه اول را دارد. "کاسپر  
 و اسن سرگز" - وزیر "دفاع"  
 آمریکا - اخیرا در سنا ای آمریکا  
 اظهار داشت "ما باید در دریاها  
 برتری داشته باشیم. کنسول  
 دریاها برای ما همانقدر اساسی  
 است که کنسول مرزهای زمینی  
 برای شوروی." سالیین منابع  
 عظیم که در اختیار مانسین جنگی  
 آمریکا قرار میگیرد، آمریکا  
 قصد دارد نیروی دریایی خود  
 را آنچنان تقویت کند که حتی  
 قادر باشد تا ۱۹۹۰ در دریا های  
 شمالی ایسلند و اسکا ندینا وی  
 نیز با شوروی به مقابله برخیزد.  
 آمریکا قصد دارد در این مدت  
 تعداد کشتی های جنگی خود را از  
 ۴۵۶ فرونده به ۶۰۰ فروند افزا -  
 یش دهد.

طرح های مهم دیگر عسا -  
 ر شده از: تقویت و مستحکم سا -  
 جنس سیکا ههای نظامی در مو -  
 مباسا، کمیا - بربره، سوما -  
 لی - دیا گونا رسا، انبایوس  
 هندو... تقویت "سپروههای  
 واکنش سریع". توله سیک نم  
 افکن جدید که قادر به حمل سلاح  
 اتمی سنا سوا ندیده سنا ای  
 دفاعی شوروی میگردند. و -  
 لسنا سوا ع جدید موتکهای سنا  
 کلاهکهای اتمی و ناوهای حامل  
 این موتکها.

سختی دیگر از بودجه -  
 جنگی آمریکا صرف امپریالیسم  
 حقوق و مرایای پرسنل ارتش  
 آمریکا میگردد. شور و اثر اس

امپریالیسم آمریکا خود  
 را برای جنگ جهانی آماده  
 میازد، تا بتواند سهم بیشتری  
 از چپا ول مردم جهان را بخصود  
 اختصاص دهد. بودجه پیشنه‌ای  
 ریگان و بختصوص افزایش بودجه  
 نظامی یکی از سنا دارهای این  
 حرکت امپریالیسم آمریکا ست،  
 بر طبق بودجه پیشنه‌ای  
 و بر نامه پیشنه‌ای ریگان،  
 بودجه جنگی ایالات متحده در  
 ۵ سال آینده (۱۹۸۶ - ۱۹۸۱)  
 ۱/۵ تریلیون دلار خواهد بود.  
 (۱/۵ تریلیون دلار = ۱۵۰۰  
 میلیار دلار. اگر بخواهیم آن  
 را با نرخ واقعی - هر دلار =  
 ۲۰ تومان - به تومان تبدیل  
 کنیم عدد زیر بدست میاید:  
 ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان.  
 بقول خود ریگان این مبلغ  
 سنا و بست با ستونی از اسکنا -  
 سنا ای ۱۰۰۰ دلاری که ۱۶۵ کیلو  
 متر ارتفاع داشته باشد، سنا  
 تقریباً ستونی از ۱۰۰۰۰ تومان  
 به ارتفاع ۳۳۰۰ کیلومتر!  
 در عرض ۵ سال بودجه سالیانه  
 جنگی امپریالیسم آمریکا بیش  
 از ۲ برابر خواهد شد. (از ۱۷۱  
 میلیار دلار در ۱۹۸۱ به ۳۶۷/۵  
 میلیار دلار در ۱۹۸۶. یا از  
 ۳۴۲۰ میلیار تومان در ۱۹۸۱  
 به ۷۵۳۰ میلیار تومان در  
 ۱۹۸۶).  
 اما منبع این ولخرجی  
 امپریالیستی ارکنا مین  
 میگردد؟ روشن است. سنا اصلی  
 سنا سنا همیشه سستی از طرف  
 هله، کارگر آمریکا و مردم  
 کشورهای وابسته آمریکا  
 حمل گردد. در بودجه پیشنه -  
 دی ریگان در حالیکه بودجه  
 جنگی اس جنس اعرا بش سی -  
 سنا ای با سنا است، سنا سی  
 خدمات اجتماعی کاسه شده  
 است، سرح شور و ملامت سنا

پذیرائی از يك جاسوس آمريكائى

(آمريكا)

وقتيكه ويكشورتا مسند،  
يكي از سر جاسوسان "سيسا" در  
لانه جاسوس آمريكا در ايران  
به آمريكا بازگشت، انتظار يكي  
استقبال از خود را داشت، اما  
زمانيكه او به شهر "يوجين" در  
ايالت ارگون براي ايراد سخن  
راني ش رسيد، با يك تظاهرات  
وسيع از طرف دانشجويان خشم-  
گين آمريكايي مواجه شد، آنها  
يك "روبان زرد" (مظهر  
"عشق" آمريكا براي "ديپلمات"  
هايش - واقعا رنگ بجا يبي  
انتخاب کرده اند) را در مقابل  
چماش آتش زدند و فرياد زدند  
" ما بصورت تو و تمام نظام  
منحط توتف ميکنيم، ما در کنار  
مردم ايران ايستاده ايم!" دو  
دانشجو از اعضاي "سريگاد"  
جوانان کمونيست انقلابي  
بوسيله پلين دستگير و کتک  
کاري شدند. آنها متهم به کسوف  
شش براي ايجاد آتش سوزي  
شدند. (براي سوزاندن رويان  
زرد!!) و ممکن است به ۲۵ سال  
زندان محکوم شوند. ۷۰۰ نفر  
دانشجو در دفاع از ابيسن دو  
دانشجو دست به تظاهرات زدند.

جاسوسان آمريكايي هم  
از طرف مردم ايران و هم از طرف  
مردم آگاه آمريكايي مورد  
انزجار هستند. هم مردم ايران  
و هم مردم آگاه آمريكايي از  
آزادي آنها اظهار خشم ميکنند.  
فقط خود جاسوسان، امپرياليسم  
آمريكا و خيانتكاران  
حزب جمهوري از آزادي آنها  
اظهار ريسروزي ميکنند.

اخباری از برخی کشورها

مردم آمريكا عليه مداخنة آمريكا

فاز السواد

کامپينه "جديدا آمريكا"  
دولت ريگان، "فاطعيت" ضد  
انقلابي خود را در سرکوب انقلاب-  
بها ت ميخواهد در السواد دور  
آزمايش کند. تيليغات گسترده  
بر عليه انقلاب السواد دور،  
وابسته دانستن اين انقلاب به  
سوسيال امپرياليسم شوروي  
همگي براي آماده ساختن افهان  
مردم آمريكا براي مداخله در  
اين کشور است. ولي مردم  
آمريكا بيگانه نشسته اند و سه  
مخالفت با اين حرکت امپرياليسم  
آمريكا بر خاسته اند.

در ۱۷ ژانويه امسال  
نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از مردم  
آمريكا در شهر برکلي، کالیفرن-  
نيا کديکي از شهرهاي مهم ضد  
جنگ و يتنا بود، بر عليه مدا-  
خلات آمريكا در السواد و ريسه  
تظاهرات پرداختند. شعارهاي  
اين تظاهرات عبارت بود از:  
"ميستاران آمريكايي از  
السواد راجح گردند!"  
"مرگ امپرياليسم آمريكا!"  
"انقلاب آري، مداخله نه!"

مکزیک - مبارزه مسلحانه

دهقانان

دهقانان مکزيک مدها  
سال است که در ريفنا را مسر-  
بالم وطبقا ت ارتجاعی  
داخلی زدگای عسرا نه ای  
را گذران میکنند. کشاورزي  
عقب مانده، زندگی دهقانان  
راتامس ميکورد. ولي اکشون  
حمی این کشاورزي عقب افتاده  
نيز بطور منظم و سرتسوق روال  
عمومی نفوذ وسلطه امپرياليسم  
ليستی در حال نابودی است.  
سجای آن یک ماده اوليه حایم  
- و امروزه - به مانده

امپرياليسم

آمريكا

سختا طرعدم شرکت در جنسک ار  
آمريكا کربخنه بودند، اکشون  
به آمريكا بازگشته اند. ولسی  
دولت آمريكا حرات ندار آنها  
را به محاکمه بگشود چون بمسداد  
آنها بقدری زیاد است که باعث  
سي آروسي امپرياليسم آمرب  
يکا ميگردد.

مردم آمريكا وبخصوص  
سربازان جنگ، از تجربه  
ويتنام بسيار آموختند. اين  
اوسط دخالفستی که بسا  
برقراری مجدد نظام اجباری  
بلند شده، نشان داده ميشود.

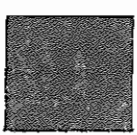
اما توده های مردم آمريكا  
واقعا چه درسي از تحاربت  
خود، چه در جنگ و چه در مسارزه  
عليه آن، می آموزند بدين  
امريستگي دارد که طبقه حاکمه  
آمريكا تا چه حد و در الفسا

تيليغات و سياستهای خسود  
موفق ميشود، و مهم تر از آن به  
اين امريستگي دارد که انقلاب  
بيون آمريكا تا چه حد عليه اين  
تيليغات به مبارزه برمخزند

حزب کمونيست انقلابي آمريكا  
در راه نتيجه گيري واقعی و  
علمی و انقلابی از جنگ ويتنام  
کوشش ميکنند و آن را در ميسان  
کارگران آمريكايي تيليغات  
ميکنند. يك سازمان توده ای به

نام "سربازان جنگ ويتنام  
عليه جنگ" در اين راه خدمات  
شايانی کرده است. (اين  
تشکيلاتهای انقلابی به انقلاب  
ايران بيزيشمناسی های  
شايسته ای داده اند). کار اين

سازمانها، و همچنين کار انقلاب  
سون سراسر جهان، در راه مناسله  
سآمدگی جنگی و ضد انقلابی  
امپرياليسم آمريكا، امسر  
نعين کننده ای است.



## قاخراج تمام نیروهای عراقی از آخرین وجب خاک ایران

### باید استقامت کرد!

سفرهای بی دربی هیات کنفرانس اسلامی طائف — تهران، بغداد و جده برای "سایان" دادن به جنگ ایران و عراق در هفته گذشته هم چنان ادامه داشت. رئیس آخرین پیشنهادی ایران که از طرف امام خمینی به تصویب رسید عبارتند از: (۱) محدود مرزهای ایران و عراق در قرارداد ۱۹۷۵ میلادی است، ۲) آتش بس و عقب نشینی با به هم زمان باشد، ۳) دادگاه با به بدرمسدد رفع نتایج تجا و برآید، ۴) نضایح تجا و بررسی شود، ۵) داد- شاه متجا و زرا معین کند، (به اطلاعات ۱۸ فروردین نگاه کنید) ارتکات ۲ و ۳ که تضمین عملی ندادند و بگرفته مذاکرات سورکر تا تک کشد را از دنبال مآ و روند، می گذریم. نکته اول حاکی از آنست که ادعاهای مرزی عراق و بخصوص در مورد کنترول کامل "اروند رود" مورد قبول ایران نیست. نکته دوم (با ضافه) نکته اول) بقول آقای بنی صدرا ز پیشنهادیهات کنفرانس طائف "رفع ابهام" میکنند. برطبق پیشنهادیهات شطی، آتش بس اعلام میگردد و سپس مرزها تعیین میشد، کسبه لزوما به معنای اخراج تمامی نیروهای عراق از خاک ایران نبود. در حقیقت میتوان گفت که پیشنهادات ایران مبتنی است بر بازگشت به اوضاع و مواضع قبل از جنگ، و سپس مذاکره و...

همه گزارشات و تفصیلات و تحولات نشان دهنده آنست که توطئه علیه انقلاب ایران و استقلال آن از طرف امپریالیستها و لاسادی آنان در منطقه عمق مییابند. و مردم ایران با بدرسختا... برای مقابله جدی و خونین با این دسایس آماده شوند. در این میان حزب جمهوری اسلامی که پیشیزی برای آزادی و استقلال ارزش قابل نیست، و فقط دربی قبضه قدرت و گستراندن استبداد خودگامه حزبی خوداست، به عوام مغربیه و دخل بازی بلند شده است. اینان به تا زگی شعار عوام مغربیه های بلند کرده اند: "ادامه جنگ تا محاکمه صدام"، "کسانی که چندی پیش مغفیانه نما بنده حزب خود را به طائف فرستادند، تا نیکه اشکا را گفته اند حتی اگر خوزستان از دست برود اجازه نخواهند داد بنی صدر پیروز شود، کسانیکه مزارین جبهه های جنگ را - حتی در آبادان محاصره شده - به زردان می افکنند و... امروز از زبان سخنگوی هفتگی شان - امام جمعه تهران خامنه ای - داد و فریاد دراه می اندازند که میخواهند صدام را محاکمه کنند...!!

یادشان رفت که ملت می شناسندشان! این عوام مغربیه ها سوسان آمریکا بی را که در دستشان بود محاکمه نکردند و بسا خیا نتکاری رها پشان کردند، حال امپریالیستها و ملت ما و رکنند که اینان در محاکمه صدام جدی هستند!! این شعار غلط انداز و در عین حال بی معنا - عوام مغربیه پیش نیست، و تنها هدفی که دنبال میکنند، استفاده از احساسات مردم برای تقویت جبهه شان در مقابل رقباست. اینان آن دارو دسته ای هستند که به محض غلبه در مبارزه قدرت، به پای میزحیانت با رژیم صدام و امپریالیسم آمریکا خواهند نشست. اتفاقا همین حیث و فریب داد ها شان برای "ادامه جنگ تا محاکمه صدام" در کناره انحصار طلبی ها شان، تفرقه انداختن، صفوف متحد مردم در مقابل تجا و زکاران، فشا آوردن بر مردم جنگ زده و... منطبق بر سیاست عمومی امپریالیسم آمریکا و بخصوص کرایش نویسی که از آن صحبت کردیم صیبا شد. چه تحلیل سردمداران این گرایش محافل امپریالیستی آمریکا آنست که ادامه جنگ با ملت تفرقه داخلی، گسترش جنگ و حداقل درونی و... میشود و شرایط را بقسمه در صفحه ۲۱

این تحول "ناگهانی" عراق بی دلیل نیست. اخیرا کرایش نویسی در سیاست آمریکا در قبال جنگ مشاهده میشود. بروس لینکن، جاسوس معروف آمریکا بی در ایران، طی گزارشی به کنگره آمریکا اظهار داشته بود که ادامه جنگ به نفع آمریکا است، و اوضاع داخلی ایران را به سوی تشنج بیشتر میکشاند. همچنین روند نزدیکی رژیم صدام به آمریکا بسا رتقویت شده است. قرار است بزودی روابط بین عراق و آمریکا رسماً برقرار گردد. الگسندر هیگ در سفرش به اردن، در این مورد با ملک حسین به مذاکره خواهند نشست. به قول هفته نامه نیویوریک (۶ آوریل ۱۹۸۱) "عراقی ها اغلب چشمک های دوستانه ای به آمریکا میزنند" و هیگ در این گفتگوها "با غلامندی (حرفهای رژیم صدام) را خواهد شنید. "بناظر می رسد که رژیم صدام پشت گرمی بیشتری و محکمتری یافته است. از سوی دیگر ارتجاع فراری ایران نیز "جبهه" متحشد تشکیل داده و این امر نیز رژیم صدام را "امیدوار" کرده است. اخیرا رادیوی جدید ارتجاع در اردن شروع بکار کرده که توسط حسابه ای محتلف ارتجاعی اداره میشود، "سایام" های رضی پهلوی (جوانگ بی سروپای محمدرضا) امینی، ارتشبد آرانسا و شاهپور بختیار از این رادیو سخن شده است. اخبار دیگری حاکی از آنست که شرکت در مرزهای خود

**امیرالاستقام**  
 بقیه از صفحه ۱۱

پسگاه ملت محرم با رنگبری  
 و حیاست محکمند سرور سران  
 حرب جمهوری اسلامی هم باشد  
 بداند تمام تراکت در جرم افسوس  
 انتظام ها و بدانیام سلطان  
 برای سرقرار کردن استنادده  
 این سرزمین انقلابی و محرم  
 گستاخ برده و خیانتکاران  
 خدا میریایستی و... محاکمه  
 شود. وجه آن آنگاه درده مست  
 باید ادیر انتظام را از حیطه  
 بخاطر اینکه زمین را سران  
 خاکسب این دارودسته مست  
 برجا معما فرا هم میگردد است  
 محکوم کند و این دارودسته  
 راهم قبل از آنکه در برابر  
 دشمن، کشور ما را تسلیم کند  
 و انقلاب را سرشماره بخاطر  
 حفظ حاکمیت خودشان بدایسر  
 قدرتها بفروشد مجازات نماید.  
 جوانان آرما نجویی کند  
 اکنون در دادگاه محاکمه میر  
 انتظام ادا میبارزه مست  
 امیرالاستی را می ببیند  
 باید خود آید که مملکت را از  
 امیر انتظام بد شرها بدایسر  
 جهنم میرنست.  
 آزاد بخوانی که برای  
 خدمت با حزب استند دعوی  
 جمهوری اسلامی بدستماع ار  
 امیر انتظام برخاسته اند  
 باید بداند که با دفاع از امیر  
 انتظام آب نظهر بر سر رشکاری  
 های گذشته و حال و آبستند  
 حربی های باستند.

با هویر، بالستکن، با سرمایه  
 داران آلمانی، با کارگزاران  
 شوروی در ایران و با یقانیسی  
 و دیگران هر روزه در مطبوعات  
 انقلابی (البسته متنوعه...)  
 منتشر میشود، آنجا که مملکت  
 ما را بکام اژدهای امیریا  
 لبم می کشانند هرگز مخالفت  
 با لیبیرالسم را از زانو و...  
 انقلابی دنبال نمی کنند آنها  
 مخالف لیبیرالها هستند ما  
 تا آنجا که بخوانند فقط خودشان  
 حاکم باشند و مردم را بجا پسند  
 و آزادی را لگدمال کنند و وطن  
 را به دشمن تسلیم نمایند.  
 مخالف آنها با لیبیرالها مانند  
 مخالف یقانی و کاشانی و...  
 ما قلمی با مصدق یک مخالفت  
 ارتجاعی است.  
 سران حرب هم با بددر  
 پسگاه دولت محاکمه شوند.  
 امروز که امیر انتظام در

**تأخیرات**

برای ما بودی انقلاب هم می آورد حرب جمهوری اسلامی  
 دست آمریکای باری نکند.  
 مردم سر و پا خدایان...  
 انقسم و...  
 سرور سران شوروی...  
 بداند انقلاب ایران...  
 ر محدود در...  
 و مقام سستی...  
 بر سر امری...  
 سرور سران...  
 مبارزه قاطع...  
 این امر خطیر را تحقیق بخند...  
 علیه تحا و ز آمریکای عراق...  
 و ارتجاع...  
 جمهوری اسلامی مهم ترین عامل...  
 و انقلابی مردم ایران است...  
 جنگ و دفاع از انقلاب...  
 دست حزب جمهوری اسلامی...  
 نیروهای انقلابی...  
 مبارزه...  
 دست حرب جمهوری...  
 تا بدفع کردند! و...  
 مردم ایران...  
 انقلاب و...  
 از آخرین...  
 در حد اول...  
 کشید و حزب...  
 انکار میکنند...  
 انقلاب و...  
 حراست کنند...  
 حاکمیت...  
 امیرالاستی...  
 امیدواریم...

تهدید! ولی کور جو...  
 بکه اسکند...  
 سفا ریشکی...  
 اول ازلحاظ...  
 دوم اسکند...  
 نسر بزی...  
 کیا ست...  
 شین سیا...  
 سوم اینک...  
 بری حلو...  
 این خودک...  
 سیاست...  
 در این...  
 و چپارم...  
 است: "هم سرئی..."

**نماینده تیریز**

بقیه از صفحه آخر  
 هر کدام "دلچسب" تر بودند، با آن!  
 اشکالی ندارد بلکه این خود یک رقم کیا است  
 ایمان و اسلام است که سلاحی را کدا میرالاستی  
 برای کرسی نشان دادن مفادش ساخته است از دستش  
 بگیرد و سرش سرسید. (آکبیا ن ۱۸ فروردین  
 ۱۳۶۰، تاکیدات از ما ست.)  
 خرید ما بحتاج عمومی و از آن حمله اسلحه اسرق و غسرت  
 اصلا اشکالی ندارد!! املا زد دست خودشان میگیریم و دست خود  
 نان میزنیم!! جناب موسوی تیریزی فکر میکنند مردم بمسی

# ای عاشق خلق

ای در ره انقلاب اسیران  
 حواسده بد خاک سره، سرحر  
 آروغی و سادشت ای محبوب  
 سدخم زمانه حیره، سرحر  
 سرخزوبسن چگونه توده  
 از خرسن نویای حیزد  
 خزنده و ستمگران از این جز  
 چون روبه و دره میگردد  
 برخیز که خانواده، تو  
 سرشوده، فقر متگی سد  
 با قاتله، جهان زحمت  
 ای عاشق خلق - حسرت زنده  
 ما تمام تو و وینست را  
 ما مرده ترانسی شماریم  
 از خاطر خود نمایی بر آریم  
 و آنروز که از زمی اسیران  
 ما، همره خلق ریشه، ظلم بر آریم  
 در راه و طریقت، ی رفیقم  
 همواره ترانده بداریسم  
 هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - قهرالدشت

## بیاد رفیق عزیز و از دست رفته،

### “قاسم”

در میان پهنه، بیکران محرای جنوب  
 دشتی از شقایق های سرخ  
 آنجا، از زمین روئیده اند  
 در میان این همه گل های خودروی  
 شقایقی تازه، هم امروز  
 سرفراز سر به آسمان برداشته است  
 در کنارش زانوی بر زمین میگذارد  
 در میان گلبرگهای تازه و سرخ  
 چهره ای سبز بلند و آشنای بینم  
 چهره، یک رفیق بلند همت و آزاده را  
 چهره، قاسم را!  
 از این گل سورسته و خاک،

بغض آلود..... میپرسم:

سرخ گلبرگهایت از برای چیست؟

به سخن آمده میگوید:

نشانی است از ره سرخ و جاودانی که همواره بیموده ام!

به پرچم های سیاهش می نگرم....

با من بگوی که تیرگی میان تو از برای کست؟

- کینه ای است، پس مقدس

که همواره به دشمنان خلق و خاکم

ورزیده ام!

این نشان افتخار و انبیز،

در این ره سرخ و بلند،

در سندیای منجمد!

بگویی من، که شبنم نا سناک بسته بر گلبرگهایت

سح از چه می گوید؟

- سح از زیستن کوتاه و پریار،

که در اوج طراوت،

در بیچاران جاودانه میماند!

بگویی که سافه، سرفراز و مقاوم تونان از چه میماند؟

با صدای شقایق ها را بوییدم آورد

- نشان از سر بلندی!

- نشان از پایداری!

- نشان از سرای خلق ریستی!

- نشان از سرای خلق جان دادن!

سراسر در چهار فصل میداد  
 بسازیم از تنی سدا و آواز

دل از کینه پرستی است و تمکیر

زم سرخری سندان بیت سنگ سنگس

بردگویی سر بر ما بسته داران

کدامین مان تیشه میگویم به خندان

ای در غرب ایران رنگ حزن

تفتت بردارم و گردم رو و سینه

رینم هم که با من ره دارد

چو من با زور بیروم سندان دارم

توار ما چو آورد جمع ما هم

شود محکمترین ارشد در عالم

سراسر در زمین سرفشید سندان

بنا بر ارغشی سندان و آواز

که با آسازدگر با سده همیشه

مخ با نهنگ و با ر...

عاشق از تنگ گشته برده بیجا

به سر کبیر در نما مسود در...

نه و اندر در انبوه وی بار

بنا بر سندان رئیس سر...

# به تمامی مردم رزم آور میهنم

## و رفقا اتحاد کمونیستها ایران سگرها را آزادانقلاب و میهن

به بیای خیرش بلند که خجرا تا دسته در قلب دشمن میکارد  
بر خاک میامتنند

یاران من که دوست داشتن وطن را  
به در مکتب دشمنی این و آن سزاد  
که سفاک طر عشق انسان  
و کینه دشمنان رهائیش ،  
دشمنان انقلاب

آموخته اند .

و بدینسان است

که سرزمینشان به جایگاه هر بلید  
که میهن کودکان زنده محله ها

و مادران ، کدرنج کار صدی فتر ما خسته دست پینه بسته شان ،  
به یاری دلاوران ،

و سوهران د یار زحمت شهر و روستاست  
مردان و زنان کارخانه ها و دشتها

اینان که چون کوه ،

استوارند ،

در مقابل دشمنان .

و همه این سبب

یاران من ،

در کف رنجین سردمی ،

می ایستند بر پیمان خویش

به رزم و خونشان

( و آری رفیقان نیمه راه

روی پنهان کنید ، خائفان

از این مردمان )

و یاران . رفیقان

سگرید

بیروزی را

چو خورشید

بر کوه تانهای توده ها .

۵۹/۸/۱۹

اینک خبر از دشمنان و آتش توپهایشان میآید .  
اینک خبر ،

از خاک خوب دیا ر نیست ،

که بر خود جای پای دشمنان دارد ،

و دریایی از خون جوانمردان عاشقی ،

که به شستن جای پای ،

خون خویش را نشا ر کرده اند .

اینک خبر ،

از مردمان سرزمین منست .

که در سنگر عشقشان ،

استوار ایستاده اند

و زخمهای آتش را ،

بر شانهای همیشه ستم دیده شان

دلاورانه تاب میآورند .

اینک خبر از زنبوردی نا برابر است

لشگرهای نابعدندان سلاح

سلاح مسلح به همت غارتگران ،

در آنسو

و اینسو ، این مردمان با تنها سلاحشان ،

قلبشان که در دستهاشان ،

بی محابا پیش میآورند .

قلبهاشان ،

انقلاب را عاشق و نگران .

و آنک یاران من

که حرمت عشقشان را ،

به بیای خون ،

میپردازند .

و سیرق عشق و اعتقادشان را

( که رفیقان نیمه راه خائفانه و خائنه سرحاک

انداختند )

چه سرسراز

می افرازند زیر پای ملتی

که خاطر اتشان حماسه هاست .

و یاران مرارهایی این مردمان

آرزوی منتهاست .

یاران من که رزمشان را

نه چون دشمن ،

در هیبت علامی غولها ،

و به اثار ایشان

به قصد نابودی خیزش بلندستمکنان تارهایی

که از سر پیمان بی خللی ،

به راهایی انقلاب خویش ،

به پیش میبرند

و در این رهگذر

فروتنانه ، جوفواره

# حقیقت

## ارگان

# اتحادیه کمونیستها ایران

## را بخوانید

# حقیقت

شماره ۱۱۶

## کمکهای مالی دریافت شده

نام	کد	مبلغ به ریال	اسم شهر
م-ز	۱۱۲	۱۰۰۰	کرمانشاه
س-ش	۱	۵۰۰	"
ا-ر	۱۱	۱۵۰۰	"
ح-ح		۱۰۰۰	سونهیر
ح-ت		۱۰۰۰	"
ستاد ترکیه برای جبهه جنگ، بهاء اتحادیه ...		۲۵۰	مارک
ا-	۳۰	۱۰۰۰۰	شرکیه تبریز
ح-	۲۵	۵۰۰۰	"
رفیق هوادار		۴۰۰۰	شیراز
حمید الف		۱۲۰۰۰	"
م-	۲۰	۵۰۰۰	"
م-الف		۵۰۰۰	"

نام	کد	مبلغ به ریال	محل
ح-م		۵۰۰۰	آسپادان
ا-م		۵۰۰۰	"
غ-ن	۲۰	۵۰۰	اصوار
دبیرمدرسگار		۱۰۰۰	"
ف-پ	۹۹۹	۵۰۰	"
ح-س		۱۰۰۰	"
محمد	۱۲۳	۵۰۰	"
حسن	۲۹۹	۵۰۰	"
ح		۵۰۰	"
کاتم		۵۰۰۰	"
ن-م		۵۰۰۰	"
ب-م	۱۱۱	۱۰۰۰	"
ب-عصا بع فولاد		۶۰۰	"
الف-ه		۲۰۰۰	تهران
	۴۹۵	۱۰۰۰	"
رفیق دانشجو		۳۰۰۰	"
ش		۱۰۰۰۰	"
رفقا و دانش آموز (عمدی)		۲۱۰۰۰	"
رفقا و دانش آموز		۵۰۰۰	"
م-م	۵۱۰	۱۰۰۰	تهران شهرک ولی عصر تهران
یوسف		۵۰۰۰	"
کمک جمعی از زبان هواداران		۱۰۰۰۰۰	"
رفیق کارگر-ح	۱۱۸	۵۰۰	"
حمید		۱۰۰۰۰	"
ک-د		۵۰۰	رامهرمز سنندج
ا	۱۰۰	۵۰۰	"
ن	۲۰۰	۵۰۰	"
ح	۳۰۰	۵۰۰	"
بیرام	۴۰۰	۱۰۰۰	"
ح	۵۰۰	۱۰۰۰۰	"
ح		۱۰۰۰	"
احمد		۱۰۰۰	"
ح-ف		۳۰۰	"
ن		۱۲۰۰	"
رفقای سرباز در جبهه سوسنگرد		۲۰۰۰	سوسنگرد
رفیق کارگر	۲۲۰	۳۵۰۰	شوشتر
س	۱۰	۴۰۰۰	"
پ-الف		۳۰۰۰	"
د-ر		۲۰۰۰	"
ر		۱۰۰۰	"
پ-م	۴۱۳	۲۰۰۰	قزوین
ا-س	۵	۴۰۰۰	کرمانشاه
رفیق هوادار کارمند		۵۰۱	کابل
ی-ن		۱۰۰۰	"
ی	۲۲	۱۰۰۰۰	مسجد سلیم
سوزان		۱۰۰۰	"
دانش آموز		۱۰۰	"
معلم		۵۰۰	"
زر خاوند		۱۰۰۰	"
کارگزار	۱۵	۱۰۰۰	"
دبیر دبیرکار		۱۰۰۰	"
س-ک		۱۰۰۰	"
ش	۵۵۵	۴۰۰۰	تگرین
س	۲۴۵	۵۰۰۰	"
م-مادر	۲۹	۱۰۰۰	"

## دوستان و هواداران،

### اتکاء مالی مابه شماست

### کمکهای مالی خود را به هر

### طریق ممکن ارسال نمایید

### سئوالی از مجاهدین

بقسمه از صفحه ۹

آنچه برجسته‌ترین مادی خلق گذشته است، عبرت بگیرند و دست از مواضع سبنا بینی زمین بسته گردانند و مورد شوروی واقعا رش بردارند، آنچه که گروه‌های طرفدار شوروی را در ایران با هم‌دستی با حزب انحصار طلب و استبدادگرایان کثافت‌دوست از یک قانون کلی تبعیت میکند، این است تا بسوی چیزی مگر سرمنابع سرمایه دولتی در اتحاد شوروی نیست و نباید گرفتن آن سرای دربروی استلانی، هرفسدر هم که ما این و آن مظهر سر آن مدیت کند، ما حتماً میسر خواهد بود.

این حکم تا رسیدن مجاهدین خلق با بدار

عصر ما تا شید کرده‌اند کشورهایی نظیر ویتنام، لائوس، کوبا، شوروی، آنکولا و موزامبیک، زاین حمله استند.

سردم شماره ۴۶۹، ۲۵ قسمت ۵۹ و درست در همین ماست که نیز توده کمک اردوی جهل بی‌بوسیال امیربالمسم اعزاء و هواداران مجاهدین را بسوی خود میخوانند و آنان را به منطقی بودن نوع "توهای‌ها" شویق میکنند.

سب از آن سادگی که در

رفیق ن-ه کارگر شرکت نفت آسپادان زمانیکه شرکت نفت، دست ما حقوقی را بدادند، ما مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال به سازمان کدسک کسور.

رفیق محمدکارن از اهوار سن نامه زهر مبلغ ۵۰۰ ریال کمک کرده است.

شربده خدیجه بی بی کارگر ساد هسم البند و سازمان میسر و چون وسط ما است بسوا بسیم سائرا، سرائیتان بفرستم، اس را هم در خرج ری و بجهام گرفته ام سراسر شاد فرستادم

رفقای هواداران سازمان و همکاران کالیفرنسیا-آریکا مبلغ ۱۰۰ دلار کمک کرده اند.



عوامل  
حزب

مفیده از صفحه آخر

مذهبی و مرتجع حزب جمهوری میباشد. هنوز در حدود چند روری نبود که در... مستخر شده بودیم که فئودالها یکی از افراد هیئت ۷ نفره را محفیا به پدیده بودند و او گفته بودند که اگر دست از سر آنها برداریم هر چند ریول سوا... هیم به ما میدهند. ولی آن فرد قبول نکرد و لی در جواب بر دگر این پیشنهاد فئودال مورد نظر (محمدخان سخا بی و سرادرن) او را تهدید به مرگ کرده بودند. بعد از مدتی که در آنجا بسر بردیم از تمام دهات اطراف خواستیم که تمام نکایات خود را به ما در... بدهند. در عرض ۱۵ روز حدود بیش از ۲۵۰۰۰ شکایت بدست ما رسید که قسمت اعظم آن خیرا جنایات فئودالها نسبت به دهقانان میداد.

سمونه چند شکایات در زیر... راست :

یکی میگفت من در سال ۱۲ ماه برای این آریابها جان منکم ولی در عوض فقط فحش و ناسزا و کتک حقوق میکسرم . یکی دیگر میگفت ۲۵ سال است کشا و ررم ولی در حال حاضر ا پتر زمین ندارم که جسد خود را در آن بگذارم و آسرا فرخو دم کنم . بالاخره تمام شکایات مردم در این حول و حوش قرار داشت . من یکی واقعا وقتی این شکایات را میخواندم یا کسی شنیدم گریه ام میگرفت که چقدر فئودالها به این دهقانان ظلم میکنند و در اینجا بوده که عزم خود را راسخ کرده و ما خود عهد کرده کدنا آخرین قطره خونم نکذارم که حق کشا و رزان را فئودالها به این آسانی بخورند .

کار ما همچنان ادامه داشت و زمین های فئودالها را در منطقه مترازم میکردیم و بعد باین اقراددهات بطور شراکتی تقسیم میکردیم ولی مگر ما از اذیت و آزار فئودالها در امان نبودیم . در این درجه در جلوی ما سواد... در روز دیگر نامه تهدید... در این میوشنتد . ولی ما به تمام اینها توجه نکردیم بطور متسیسم و نام رعینها را تقریبا بطور عا دلاندر بین خود... تقسیم... دردم . ولی مسئله منقض شدن... (چ) تقسیم زمین... آمد . و به ما دستور دادند که دیگر زمین بطور دائمی در اختیار... کند روزان قرار ندهیم بلکه بطور... بین آنها تقسیم نشود در اینجا بجز مشکل موقت تقسیم کردن زمین مسئله جنگ پیش آمد در نتیجه ما منطقه دهقانان را ترک کرد و آسرا به آینده موکل... شدیم .

در باره خرابکاری حزب  
جمهوری در کارما

در اوائل کار ما به خدمت آقای مسطری رئیس و او به ما دستور دادند که ما باید سخا بیان امام به ما گفته او گفته که ما... در فئودال نسیم " و ما به خدمت در مدخل در خدمت دهقانان ما نبود و ما در سوا کاری عورت کردیم که دهقانان را... راضی شوید . و ما هم قبول کرده مشغول به کار گشتیم . سرپرست ما کسی آقای... (که قبول خودی به واسطه... حزب است و به به لیسرا لیا... بعد از این جریان به خدمت... آریاب... اشرفی اصفهانی (امام محمد کرمانشاه و عوامل

حزب در منطقه آریابشاد) رفت و با او راجع به این موضوع صحبت کرده بود و بعد در کت و کنت برادران عزیز هم بود آقای اشرفی اس اس که... با بدکاری کسیم که به سنج سوزد و نه کتاب... سنی با بدکاری در روی فئودالها آورد چون تا راحت مستور و سر... علمه ما تمام... من (سعی سرپرست هیئت ۷ نفره) در جواب گفتیم که این وظیفه سرعی و اسلامی ما است که به کمک... برادران دهقان برویم و او چون این حرف را شنید به طور غرور... مستقیم به من میماند که هر چه دیدید ما رچتم خود دیدید... حساب... تصمیم با ما است به نظر شما حکما رکسیم ؟ ما همه بطوریک صدا و صد... گفتیم که راه ما از راه فئودالها جدا است و ما ندیده کمک دهقانان رفت . فئودالهای منطقه (عسکرخان سخا بی - شایارخان سخا - بی - بهرامی و...) با ما م جمعه متحد و مسلح شده و بر علیه ما و دهقانان میام کردند . و به نوطه چینی پرداختند . البته در این کار ما فقط از کمک قسمت کشا و رزی چجادسا زندگی - کشا و ر - ران و جدا بر خوردار بودیم و البته هر نمودا ما هم سرمنشود... بود .

چجادسا زندگی بخش کشا و رزی در کت زمینها و دادن بذر و کود و رسم... به ما و کشا و رزان باری مسرا شد و در اینجا ما از کمک سخا بی از مسلمانان انقلابی ، سپاه پاسداران که نه حزب... و به به لیسرا لیا وابسته هستند و در این راه ما را باری رساندند و از ما در مقابل فئودالها و مرتجعین حمایت میکردند ، برخوردار بودیم .

امام مورد امام جمعه

چجادسا امام جمعه در خطبه های نماز جمعه علما به دفاع از فئودالها می پرداخت و ونسی ما را از نفاذای کمک مالی و اسباب... می میکردیم . ایشان یک طوری از سر آن شانه خالی میکردند . یکبار به سواد... نامه از ایشان (امام جمعه) راجع... چونگی تقسیم زمین بر سریده بودیم که در جواب نامه گفته بود : شما باید بروید : اراضی موات را تقسیم کنید و سوا بیدار ارضی کنید دیگران ما رنج و زحمت (!) آما کرده اند از آنها گرفته نشود (مستور فئودالها میدانند) در زمین شما سواد... و از... مراسی در آن... و در این کار فئودالها این رسننها را با رنج و زحمت خود... آما کرده اند . این آما دی... بر علیه دهقانان کم زمین... زمین موجود آمده به خود... پسما .

را...

حقیقت

ایران اتحادیه

گروهیستهای ایران

را بخوانید

## یک اقتصاد سرمایه‌داری

بفیه از صفحه ۲۷

سه‌میه تولیدی سودی است. (ناکید از ما است). بنا بر این نه تنها مزارع خانوادگی خصوصی برای سوددهی نه پیش می‌روند، بلکه با اصلاح مزارع دسته‌جمعی "سوسیالیستی" تیربرینای سوددهی کار می‌کنند. همین امر در مورد صنعت مادی است؛ "مدیران واحدهای صنعتی مجبورند که سوددهی داشته‌اند. و این امر برخی (و نه تنها برخی بلکه تمام) تکنیکهای مدیران سرمایه‌داران را که تاکنون (یعنی قبل از احیای محدود سرمایه‌داری) بخشی از "سخت کارگری" کمونیستی نبوده، دیکته می‌کند. "و کدام هستند این برخی تکنیکهای مدیران سرمایه‌داران؟": "پاداشهای آخر سال... از کارگران نسل دریغ می‌شود. در مجتمع راسا، یک کارخانه تولید ماشین آلات سنگین در کیور، چند صد نفر از کارگران بجا طرح عدم کارآیی اخراج شدند..." این چنین هستند آن "تکنیکهای سرمایه‌داران". فقط با استنمارج سترکارگران، فقط با سردارانی حقیقی آنها (که با داشتن مالکیتی واقعی از آنها) سوددهی را بالا برد. این نقطه "سختی" تکنیکهای سرمایه‌داران است. این سرمایه‌داری به مفهوم واقعی کلمه است!

هرگاه تولید سرمایه‌داری سوددهی باشد، و به سرمایه‌داری تولیدکننده لایه‌های مورد اصلاح

حاشیه، بالاحصار، سرمایه‌داری کام سرجوا هستند. بالاحصار آن واحدهای تولیدی "زبان آور" که به مورد اصلاح حاشیه هستند. در شان نهند خواهد شد. آخر این هم از "تکنیکهای مدیران سرمایه‌داران" است؛ این واحدهای سرمایه‌داری و رکنی کرده‌اند، یک کارخانه تراکتورسازی در سردگی بود این توسط دولت برجسته شد، با خریداری برای آن که بنا آورد. کارخانه تراکتورسازی تعطیل می‌گردد، ولی کنایه در حال بیرون است!! تجرب! انگره چیست؟ سود، سود، سود.

المنه روسیوسیتها آقدری بره اند که حتی این اقتصاد کار سرمایه‌داران را به رانبر "سوسیالیستی" طسوه می‌دهند. جاب "زبان بگند" که بقول "نام" "مترتنگس" همه این سلاهای سرمایه‌داران است، در سبایش از اقتصاد مبتنی بر سوددهی نیستی فرمایند؛ "این امر کارخانه‌های ما را مجبور به تولید ستر می‌کند. ما رکن هرگز علی‌سود حرفی نرد. اومط علی! سکه چه کمی سود را در آفت می‌کند صحت کرد." (ناکیدات از ما است). این را می‌شود تلغی خلافت،!! مارکسیم ساسا سرمایه‌داری. سوزواری از این نوع "مارکسیم" هیچ هراسی ندر راه می‌دهد. ولی راسی چه کمی سود را در آفت می‌کند؟ آن کارگران اخراجی کارخانه "رانا" تا آن مردان مدهرار داری؟ آن کارگرانی که با داسهای مالانده خود را در آفت می‌کنند آن سراسی که با خریداری قابل ملاحظه واحدهای سخت‌نویسان ما دای های کلان در آفت می‌دارند؟

اقتصاد نقشه مند  
براعوشی سپرده می‌شود

رہ سکه فرو حدکنآوری صنی و... برای دسای می‌شود. فعالیت کند، رتا سکه مدیران س واخدهای تولیدی تمام هم و غم سان - رده ارد - بادسوا حد خودی است. رتاسی گداهد و برتا مرسری شده بود و نظرسا سدا سکا دسکس سموان آرکا اصنا سسند مددر سطح حاشیه در سطح کل صنعت محسبی هم در میان ساد انگره فروا حدسولسندی در محدوده خود را برای تقسبه می‌نشد، ولی جون برای سود دهی فعالیت می‌کند و سراسی با رانگه قسمت‌ها در آن سراسی امر مود و ساسا سس می‌شود، سولسد می‌کند، دسکس تمام اصنا دا حاشیه نشدند سوده، سکنه درسی سرتا مگنی، در هرج و مرج سراسرد. واحدهای کارکنرل هرچه سسترونا زار وارد رتاسا سستروند، و دسکس خرسب هرج و مرج کامل سسر تولیدیها کم می‌گردد. اقتصاد بفته سدهای خود را به آتارشی در تولید می‌سپارد. خوسیا لیم کا ملاء سرمایه‌داری تحصیل بافت است! ناسا اقتصاد سوددهی است نه احتیاج حاشیه، سرمایه‌داری خصوصی و دولتی سترش می‌یابد، اصنا سسندند جای خود را به آتارشی در تولید می‌دهند.....

و این اقتصادی است که لئوسید سزوف در کنگره ۲۶ به همه "کتورهای "سوسیالیستی" توجه کرد که از آن سبازوند!! "در کنگره (حرب "کجوسست") نوری در ما دگندند، صسد لئوسید سزوف سبازوندگان کتب که ساسی چپان کمونیستی سبازسی ارسا سبکنا و رری مجارسان ساسا سزوسد ساکدات رتاسست اواس همان اقتصاد است که سوزواری آمریکا را به سس آورده است. حدر مررا سراس نسیم و "سوسا نسیم" سراسک سدها.....

ولی حقت سوزواری

آمریکای چپ سس... او اراسوس سسند مفرمتکسر اصصدهی مجارسان!! هم جس سارنس سسی با سگ و سوزسول ملاناب کرد و رتره کارچای سبازی سگ وام حدده ۴۰۰ میلیون دلاری اراسی سبکهای خصوصی آمریکا و اراسی رتاسی سوزواری سسند "سسخه" اس "سوه" سانسیم سسرتند!! "کداسی" از سبیرا سسنا سباز سوزواری آمریکا سب جهت سست: "سوزسند اراسسوس" سان ما سوکا سسرتا و لوسوی و سب کنتاکی سزودی اراسوس های گراون ایکا روس مجاری- آمریکا سب در حاشیا سبازان سزود حوا سسند کرد. "حدا اقتصاد" "سوسالیستی" "جانسی!" اسم آتارستوان گذاشت؛ اقتصاد مجاری - آمریکا سب روسی.

\* \* \* حزب توده و جریکهای (اکثریت) در مقابل ایمن واقعات چه می‌گویند؟ در مقابل اوضاع کنونی لهستان که امروز حوالان اقتصادی ناشی از احیای سرمایه‌داری سب بحرانی سبازی کارگری تکامل یافته چه می‌گویند؟ هیچ! سبازی می‌کنند. ارایتان استظاری نیست.

ولی آن دسته نیروهای سبازی، چه مارکسیم و چه سسر مارکسیم، که سوزواری سسرتا هارا "سوسالیستی" میداندند در این باره چه می‌گویند؟ سگوت برمعنا، تحریف واقعیات، و بالاحصار اظهار سبازی اطلاع سسرتان سسرتان سسرتان ما در سسرتان و..... سسرتان سسرتان سسرتان!

## یک اقتصاد...

بقیه از صفحه آخر

اعماق اقتصاد نفوذ کرده و دیگر حتی طوا هر "سوسیالیستی" نیز بدورا فکنده میشوند:

### گسترش مالکیت خصوصی

مقاله از آنجا آغاز میکنند که چگونه مفاهیم های بودا بیست پراست از سیب، خیار، هویج و کلم تازه، مقاله توضیح میدهد که این محصولات از "مزارع خاص" نوادگی "بندست میا ویدوه میسن" امری است از دنیا دم صورت گشا - ورزی گردیده است چرا که: "سود حاصل از کوشش های شان ..... متعلق به آنها و فقط آنهاست. و قیمت های بالای سبزیجات آن ها را خوشحالانه به باغبانانی مشغول میدارد". در دوران سود سیالیسم، که دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است اینگونه تولیدکالیبی خرده سه حیات خودادامه میدهد. ولیسی همانطور که لنین اظهار میدارد، همین تولیدکالیبی خرده هر ساعت و هر دقیقه عنا صر بورژوازی را در بطن جامعه سوسیالیستی می پروراند. بنا بر این سیاست صحیح پرولتاریا آنستکه ایمن تولید خرده را محدود و بتدریج نابود سازد. ولیکن در مجاریست سیاست درست برعکس سیاستی است که لنین، استالین و ماژو به پیش میبردند: "آودن گولوس یکی از روسای اطاق پارکائی مجاریستان میگوید: "ما به تنها وجود مزارع خانوادگی را اجازه

میدهیم، بلکه آنها را تسویق میکنیم" (ناگوارا ساسا) یعنی رهبران "سوسیالیست" مجاریستان به تنها عوامل رشد بورژوازی را محدود نمی کنند، بلکه گسترش آنها را تسویق میکنند. آیا ادامه این حرکت شکل گرفتن یک بورژوازی سود بین دروسا ها نسبت و آیا این امر بصورت کامل تحقق نیافته است؟ آیا این گسترش بدحالی به غیر از کلکتیوها و مزارع دولتی راه دارد؟

امر گسترش مالکیت خصوصی صی که بر اساس تولیدکالیبی و بر اساس سوددهی به پیش می روند به گشا و ورزی محدود نمی گردد. بلکه دولت کار را بدانجا رسانده که حتی رسواریهای دولتی را نیز بدست مالککان خصوصی تحویل میدهد: "در ژانویه (۱۹۸۱) دولت بزرگترین جهش خود بسوی سگا های خصوصی را انجام داد. حق اداره رستوراسها و سایر برنگا ههای کوچک که ضرر میدادند در مقابل ۱۵۰ هزار دلار در میان عمووم حراج گشت" (تاکیدات ارماست) دولت مجاریستان منطق سرمایه داری را بخوبی آموخته است و بنگا ههایی که ضرر میدادند را به دیگران واگذار کرد و خود را از آنها خلاصی. ولی چگونه در یک کشور "سوسیالیستی" "فسرادی" یافت میشوند که مدتها در دلار سر ما به داشته باشند؟ اینان چه قشورچه طبقه ای هستند؟ مطمئنا دولت مجاریستان اروح بود تعداد در بادی آراس افسراد مطلع میسازد که نمایی رسواری های دولتی و سایر برنگا ههای کوچک را به آرای صدها دلار به آنها تحویل میدهد. آیا آنها تبلور طبقه بورژواها، مجاری نیستند؟ حتی محله ساجیم سر از این امراطیا رشگفتی کرده است: "این مقدار (صدها دلار) در کشور که در آمد سراه، آن در ۱۹۷۹، ۵۴۲ دلار بود سسار زانداست".

مدار سرمایه را چگونه وارد روی کدا من سوه، نونندی سرور کشیدند؟ البته نام "توضیح میدهد که ارجحاً جزو سوسیالیست عسور آران دولت است این افراد فقط "مدیر" سوسیالیست (ولی صدها دلار در سوه میسردارند)، ساید سها حساب عی و اچاره به دولت و مالیات بپردازند. وحشی: "آنها هم چنین با سوسیالیست سمره سوسیالیست سگا رگران خود سپردارزند، ولی "..... بینگاداران نمایی سودی که باقی میماند خودنگاه میدارند" یعنی سود سرمایه شان را بدست می آورند. و این سود را کجا بدست می آید؟ آیا قانون کسب ارزش اضافی سوسیالیستی را موش کرده است؟ البته اگر این عمل سود آور نمی بود، هیچ "فرد صدها دلار" حاضر نمی شد پول ریان سسته را به دولت مجاریستان بدهد! و "تایم" توضیح میدهد که: "این سیستم بسیار شبیه سیستمی است که مک دونالد و سایر برفرونگاه های زنجیری غذا در ایستالات متحده بکار می بندند" عجب! زیاده دهم تجربه "متهوراسه" بدیعی نسبت اولی از حسیق نگدریم، دولت مجاریستان از همه کس بیشتر سرمایه داری را فهم داده است: سگا های زیان آور را خود دور میکند. صدها دلار سقا دریا نت میکند. اچاره، سیمه احتما عی و مالیات هم سالانه به حبت میبرند. کله سیک سرمایه داری را سود خود کلاش در زیر بنفاب "سوسیالیسم" خوب کار کرده است. ولی اینگونه اعمال فقط با استخرا سروری کسار حاصل تواند گشت.

### قیمت ها بر عینای چه قانونی تعیین میگردند

اغما ددان سوزواری برای کوسدر سوسالیسم، همواره سیمه قسمت گسرداری

دولتی را امری "سوزوگراسک" نامیده و آنرا بحل رسد اغما - بی میدا سندان، البته این امر محل رسد اغما ددان سرما - بد، راه هم هست. ولی محله "نام" اظهار سفت میکند که این امر در مجاریستان بر حده شده است: "اغما ددان مجاری... آنکارا مکاسیم سیمه گداری سوسیالیستی را که سقیمت کالاهای را بطور سوزوگراسک تعیین میکند، سحای آنکسه (اچاره دهد) عرضه و تقاضا سیمت ها را تعیین کنند، سودا ستهزاه قرار میدهند. قیمت سستتر و سشتر کالاهای، از جمله سبزیجات، گوشت و تقریبا ۶۰٪ از کالاهای صنعتی اکنون با تقاضا اجازه افزایش داده میشوند". قیمت گذاری بر مبنای قانون عرضه و تقاضا، قانون سرمایه داری، فقط باعث هرج و مرج در تولید و بحران میگردد. بر مبنای این قانون اقتصاد به بر مبنای تولید کالاهای مورد احتیاج جامعه، بلکه بر مبنای تولید کالاهای گران قیمت تر (کسه تقاضای بیشتر دارند، و سنا سر این سوز سستری حاصل میسنا بند) جهت گیری عینما بد.

### تولید برای احتیاج جامعه یا سود؟

در جامعه سرمایه داری انگیزه اصلی تولید، سود آوری است، ولی در جامعه سوسیالیستی انگیزه تولید، احتیاجات جامعه است. سنا سر این حتی اگر تولیدی "سود آور" نباشد، بحاظر مصالح آنی و دراز مدت جامعه گسترش و تحکیم میسنا بد. در مجاریستان - ما نند همه خواص سرمایه داری - چه در کنا ورزی و چه در صنعت انگیزه تولید، سود آوری و اجد ههای تولیدی گشند است. به "مدیران کلکتیوها گفته شده که، مور خود را سنا سندی سگا هها سسش سیرید، یعنی هدف سحای سسرا و ردن بقیه در صفحه ۲۶

# یک اقتصاد سرمایه‌داری

برای رهبران محاری مبادت،  
 السه "نیور" بدستی است. او  
 ظسما با ست سف بورژواری -  
 سن المللی، اما اصل مطلب؛  
 اقتصاد کشورهای اروپای  
 شرقی (بعول معروف کشورهای  
 بلوک شوروی) سن اعلیسه،  
 روبزوبیسم در احزاب کمو-  
 سست این کشورها، در راه  
 احیای سرما به داری گام گذا-  
 رد. سرما به داری سورویکرا تنک  
 دولتی به اقتصاد غالب در اس  
 گونه کشورهای بدل گردید. ا پرو-  
 ره پس، رگذشت دوده، اقتصاد  
 بورژوایی این کشورها بیسا  
 تضادهای لاینحلی روسو گرد-  
 ده اند (سما نندهمه، کشورهای  
 سرما به داری) و یکی از راههای  
 "خروج" از بن بست را کمترین  
 سرما به داری خصوصی بافته  
 اند. همین امر تیره تضادهای  
 بی (تضاد بین سرما به، خصوصی  
 و سرما به، دولتی) با میدهد  
 که میرا لیستهای آمریکا بی  
 در جهت تقویت سرما به داری  
 خصوصی بر آن سوار میگرددند.  
 البته این به این معنا نیست  
 که میرا لیستهای آمریکایی  
 در سرما به دولتی در این کشور  
 ها نفوذ و منافعی نداردند.  
 واقعیت بر نشانندهنده است  
 که سرما به داری چگونه سسا  
 بقیه در صفحه ۲۲

خاطرنا ربحه، ما ررانی که  
 با نام سرگاسی جون لیس  
 و اسالی عجیب شده است. این  
 دروغ های شاد را با ورمسی  
 کند. کافی است نگاه می  
 واقعات بکسم با کذب گزاین  
 دهی از اس "دستا وردها" برعلا  
 گردد.  
 اخرا محله، هفتگی  
 "نایم" (۶ آوریل ۱۹۸۱) عتا -  
 نه ای تحت عنوان "نخرسه"  
 حضورا به مجارستان "نگاشته  
 واطها رشع و خوتحالی کسرده  
 است که چگونه بسیاری از  
 خصوصیات سرما به داری در اس  
 کشور با اصطلاح سوسیا لیستی  
 ظهور کرده است، و البته اس  
 اتمام را حرکتی "مهورانه"

خود را با "دستا وردهای سوسیا-  
 لبیم "سوع حروشچی - سرز-  
 نفی در کشورهای اروپای شرقی  
 آشنا" میکنند. حوا ننده، سسی  
 خبرویی اطلاع از همه جا هم، فقط  
 خود را با "دستا وردهای سوسیا-  
 لبیم "سوع حروشچی - سرز-  
 نفی در کشورهای اروپای شرقی  
 آشنا" میکنند. حوا ننده، سسی  
 خبرویی اطلاع از همه جا هم، فقط

اگر به روزنامه های  
 "مردم" ارکان حزب توده و "کار"  
 ارکان چریکهای (اکثریت)  
 رجوع کنید، متوجه میشوید که  
 تقریبا در هر شماره خوانندگان

## سؤال از مجاهدین

کشورهای زیر سلطه نسجه  
 پیچیده است. مادر شماره ۱۱۱  
 "حقیقت" از آقای مسعود  
 رجوی پرسیدیم که:  
 آب حزب توده در تبلیغ  
 این خط تنهاست؟ آیا  
 با بی این خط حزب توده  
 بقیه در صفحه ۹۶

در مجاهد شماره ۱۰۹ مسعود  
 رجوی بدرستی اعلام میکنند که  
 "راه رشد غیر سرما به داری که  
 حزب توده تبلیغ میکنند یک نوع  
 راه رشد سرما به داری است". این  
 حکم درستی است که مجاهدین  
 خلق با به شیادت گرفتن "تمام  
 نمونه های کشورهای زیر سلطه  
 مثل سوما لی و مصر و متا لهیم  
 آنرا استنتاج نموده اند (السته  
 به توطئه آنکه افاده شود که این  
 راه رشد نوعی وابستگی است).  
 این حکم را انقلابیون کمو-  
 نیست جهان سالها پیش از این  
 در باره مساله "راه رشد غیر  
 سرما به داری" که رویزونیستها  
 تبلیغ میکنند با ورداشته و آنرا  
 مفصلا مورد بحث و توضیح قرار  
 داده اند. اما مجاهدین خلق  
 با بدوش کنند که این "راه  
 رشد غیر سرما به داری" را که راه  
 رشد سرما به داری و وابستگی  
 است چه جریانی در سطح بین -  
 المللی فرموله کرده و برای

## نماینده حزب از تبریز

### 'هم شرقی، هم غربی'

## ولی با کیاست!

خبرنگار کیهان در "ادامه صحبه با نمایندگان مجلس"  
 پای صحبت آیت الله موسوی تبریزی، نماینده حزب جمهوری از  
 تبریز، نشست. ایقان در جواب به چگونگی نامی اسلحه "کیاست"  
 و "سیاست" نه چندان بدستی از خود سرور دادند:  
 "السته حربیدا یحتاج عمومی و از آن حمله سلاح  
 برای ضرورت های جنگی ار بلوک شرق و غرب  
 اگرو استگی سیاسی داشته باشد، نه اینک  
 بقیه در صفحه ۲۱

## عوامل حزب جمهوری

### هم دست فتودالهای کرمانشاه

شوشه، زیر بخش هایی است از نام یکی از اعضای سک  
 "هیئت ۷ نفره تقسیم زمین" در کرمانشاه. ما بدین دلیل اس  
 نامها درج میکنیم که کویای همدستی فعالانه، عوامل حزب  
 خیانتکار و مرتجع جمهوری اسلامی با سر سرخس دشمنان دهقان -  
 نان، یعنی فتودالها، در این منطقه میسازند. ما به دلالتی که

که احتیاج به توضیح ندارد تمام اسعضوهای ۷ نفره، سرپرست  
 آن منطقه، منحنی فعالانستان را حذف کردیم.

\* \* \*

در حدود چند ماهی است که ما را از طرف هیئت واگذاری رمس  
 منطقه کرمانشاه، بدیکی از مناطق طرف کرمانشاه، عوام داشته  
 اند. در مرحله اول که وارد آنجا شدیم مشکلات زیادی در پیش بسای  
 ما بود که من واقعا ونسی که آنها را بدیم بکده خوردیم ولی بعد  
 با کمی فکر کردن تصمیم گرفتیم که روجه خود را با لاسروده و با آخر -  
 سن نظره چون جناح دهقان را بگیریم.

مشکلات را بدود، مثلا سرگرس منکن ما نشود الیسمای  
 منطقه و بعضی از رهبران با عظام  
 بقیه در صفحه ۲۵